

بسمه تعالی



جزوه حقوق جزای عمومی

مطابق با قانون مجازات اسلامی

مصوب ۱۳۹۲

بهت شرکت در آزمون های
«وکالت، کارشناسی ارشد، قضاوت، سردفتری»

فخرالدین عباسنژاده

باعرض سلام و ادب و احترام خدمت دانش‌پژوهان گرامی

در مجموعه حاضر با عنوان «جزوه حقوق جزای عمومی» نگارنده سعی دارد با خلاصه سازی مطالب درسی مربوط به حقوق جزای عمومی و با تأکید بر قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ منبع درسی مختصر و در عین حال مفیدی را برای شرکت در آزمون های مربوطه در اختیار دوستان قرار دهد.

در این مجموعه که اساس آن با تأکید بر کتاب حقوق جزای عمومی استاد ساوالانی تهیه شده است، سعی شده در مواردی که مقتضی، بچنان از قواعد مندرج در قانون مجازات اسلامی سابق پیروی کرده از نظرات اساتید این رشته، همچون دکتر اردبیلی، مرحوم دکتر نوربها، دکتر گلدزیان و در سایر موارد از نظریات اساتیدی که اقدام به نگارش مطالب مربوط به دس حقوق جزای عمومی بر اساس قانون مجازات اسلامی جدید نموده اند، همچون کتاب حقوق جزای عمومی استاد ساوالانی و همچنین کتاب حقوق جزای عمومی دکتر حسین آقایی بخت مکان نیز استفاده شده است. نگارنده به دلیل ضیق وقت امکان ارجاع موردی مطالب مربوط به اساتید فوق الاشعار را نداشته و لذا عدم ارجاع مطالب، به هیچ عنوان به قصد اتساب نظرات اساتید محترم به خود، که نتیجه سالها تدریس و تحقیق آن بزرگواران می باشد نیست.

بدیهی است نگارش مجموعه ای در رابطه با قانونی که در راستای تفسیر و تشریح آن با کمبود منابع مواجه است بسیار دشوار می نماید و هیچ نگارنده ای را مصون از اشتباه نخواهد گذاشت. لذا از همه ی عزیزانی که در حین مطالعه این مجموعه با ایراداتی مواجه می شوند خواهشمند است بایان انتقادات خود از طریق پست اینترنتی fakhroddin.ab@gmail.com اینجانب را در بهبود کیفیت این مجموعه یاری نمایند.

در انتها از زحمات سرکار خانم میرزا زاده که با وجود مشغله فراوان زحمت تایپ این مجموعه را متقبل شده اند و همچنین از راهنمایی های دوست و برادران عزیزم جناب آقای مهدی سگری و مسعود سکر بی نهایت سپاسگزارم.

فصل اول (حقوق جزای عمومی ۱)

شامل:

کلیات (تعریف، تقسیم بندی و منابع حقوق جزا)

عنصر قانونی و آثار آن

اصول تعیین کننده صلاحیت کیفری

عوامل موجهه جرم

عنصر مادی

عنصر معنوی (جرائم عمدی و غیر عمدی)

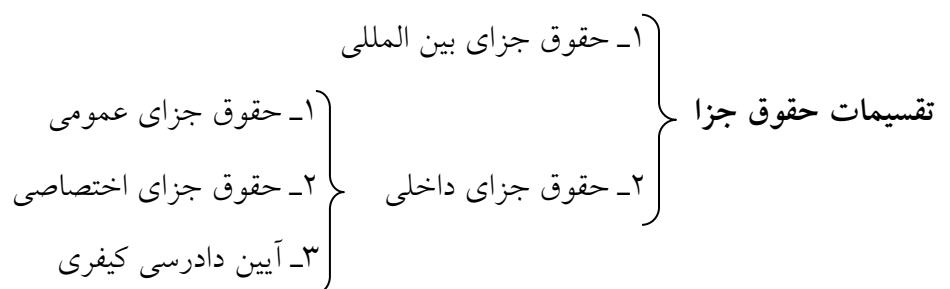
مبحث اول: کلیات

گفتار اول: تعریف، تقسیم بندی و منابع حقوق جزا

بند اول: تعریف حقوق جزا

مجموعه قواعدی که بر عکس العمل دولت در مقابل اعمال ضد اجتماعی، حاکم می باشد تا از طریق تهدید به مجازات و یا اجرای آن و یا بکار گرفتن اقدامات تامینی یا تربیتی اعمال مزبور را پیش گیری و عدالت نسبی و نظم و امنیت را برقرار نماید.

بند دوم: تقسیمات حقوق جزا



بند سوم: ویژگی های حقوق جزا

الف) وجود ضمانت اجراهای خاص : این ضمانت اجراها یا به صورت مجازات است یا اقدامات تامینی و تربیتی.

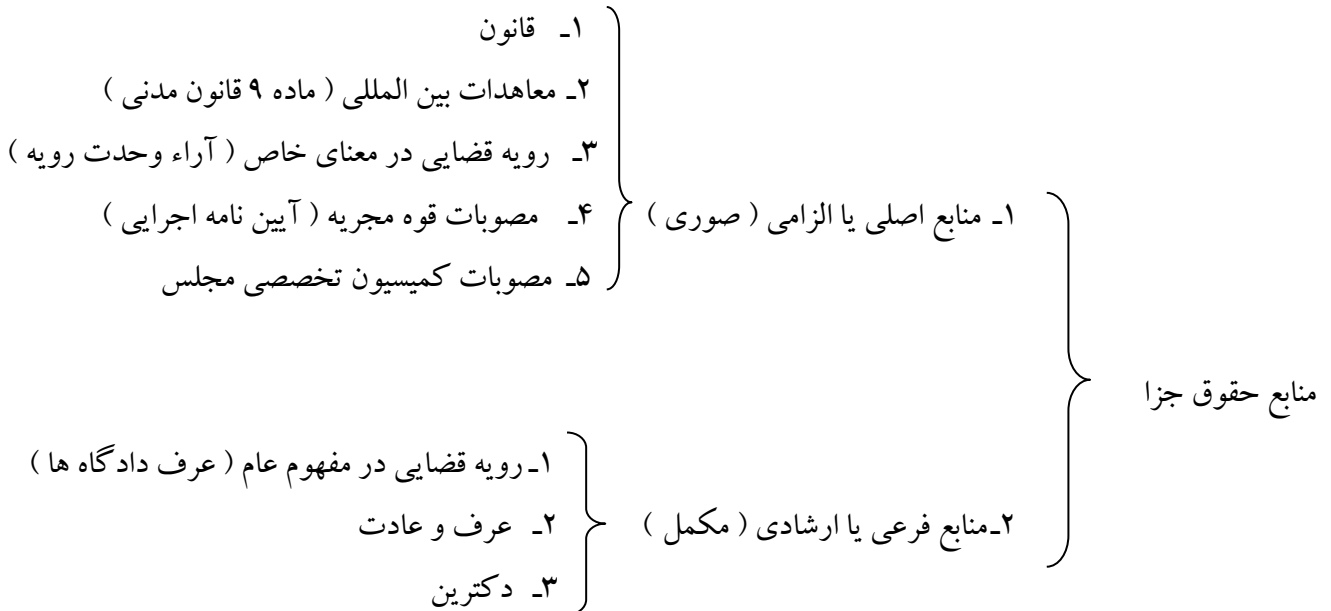
ب) آمره بودن (الزامی بودن) قوانین کیفری: در حقوق جزا قواعد اختیاری و تکمیلی وجود ندارد و افراد نمی توانند برخلاف آن با یکدیگر توافق نمایند .

پ) کلی و عام بودن قوانین کیفری : به معنای تساوی تمام افراد در مقابل قانون است .

ت) سرزمین و شخصی بودن قواعد حقوق جزا : منظور از سرزمینی بودن قواعد حقوق جزا، اجرای قوانین کیفری در نقاطی است که تحت سلطه و حاکمیت دولت قرار دارد و منظور از شخصی بودن قواعد حقوق جزا آن است که قوانین کیفری در مورد اتباع ایرانی، اعم از اینکه در کشور ساکن باشند یا در خارج، قابل اجرا می باشد.

بند چهارم: منابع حقوق جزا

منظور از منابع حقوق جزا، نصوص قابل استنادی است که متضمن قاعده ای از قواعد کیفری باشد.



نکته: دکتراردبیلی (منابع فقهی) را جزو منابع فرعی حقوق جزا می داند اما مرحوم دکتر نوربها جزو منابع اصلی!

مبحث دوم: جرم و عناصر تشکیل دهنده آن

بند اول: تعریف جرم

هر رفتاری اعم از فعل یا ترک فعل که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می گردد.^۱

بند دوم: عناصر تشکیل دهنده جرم

- ۱- **رکن قانونی:** وصف مجرمانه باید به تعیین قانون باشد. (عمل ممنوعه در قانون جرم انگاری شده باشد)
- ۲- **رکن مادی:** عمل خارجی انسان است. شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه می باشد.
- ۳- **رکن معنوی:** رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه ت یا تقصیر جزایی باشد.

^۱ - ماده ۲ ق.م.ا

گفتار اول: عنصر قانونی

- ⊖ عنصر قانونی یعنی اینکه عمل ممنوعه در قانون پیش بینی شده باشد .
- ⊖ این مطلب بیان گر یکی از اصول حاکم بر حقوق جزا یعنی همان اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها می باشد .
- ⊖ اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها، یعنی اینکه هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه در قانون برای آن مجازات پیش بینی شده باشد .
- ⊖ اصل قانونی بودن از یافته های مکتب کلاسیک و دیدگاه های سزار بکاریا ناشی می شود .
- ⊖ اصل قانونی بودن در ایران در سال ۱۳۲۵ در متمم قانون اساسی پذیرفته شد^۱.
- ⊖ اصل قانونی بودن شرایط لازم برای تحقق جرم است اما شرط کافی نیست. (یعنی باید عنصر معنوی و عنصر مادی نیز وجود داشته باشد)

*** اصل قانونی بودن در اسلام :** در اسلام، منابع زیر حاکی از لزوم عنصر قانونی برای تحقق جرم می باشد:

- ۱- لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَيْهَا (خداوند هیچ کس را جز به آنچه توانایی دارد تکلیف نمی کند)^۲
- ۲- و مَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّى نَبْعَثَ رَسُولًا (ما هیچ کس را پیش از برانگیختن پیامبر به کیفر نمی رسانیم)^۳
- ۳- قاعده قبح عقاب بلا بیان (قبح است مجازات کردن، قبل از اینکه بیان شود)
- ۴- حدیث رفع
- ۵- اصل اباحه
- ۶- قاعده درأ

* آثار اصل قانونی بودن :

- ۱- تفسیر مضیق
- ۲- عطف بماسبق نشدن

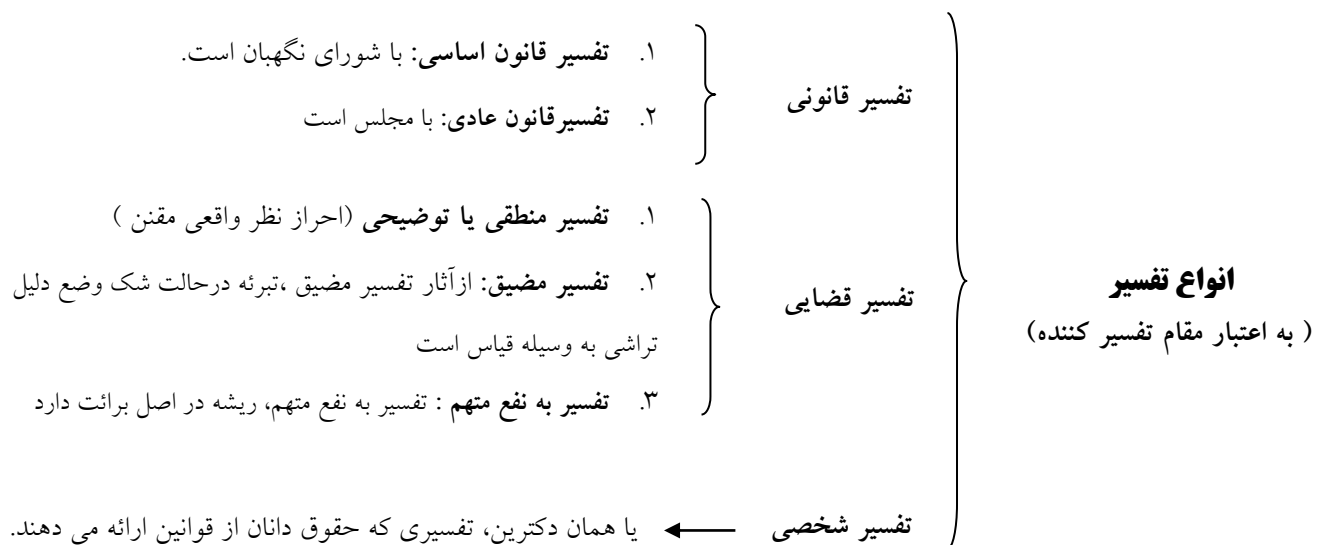
^۱ - اصل قانونی بودن در اصل های ۲۲، ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۱۶۶ و ۱۶۹ قانون اساسی پیش بینی شده است.

^۲ - آیه ۷ از سوره طلاق

^۳ - آیه ۱۵ از سوره اسراء

۱- تفسیر مضیق :

- ☞ تفسیر مضیق یعنی پابندی قاضی دادگاه به قدر متیقن قوانین و خودداری از توسعه آن .
- ☞ تفسیر مضیق در برابر تفسیر موسع قرار دارد .
- ☞ تفسیر مضیق قوانین جزایی، مربوط به قوانین ماهوی است و شامل قوانین شکلی نمی شود. به عبارت دیگر، قوانین شکلی کیفری را می توان موسع تفسیر کرد .



۲- عطف بما سبق نشدن

- ☞ عطف بماسبق نشدن بدین معنا است که اثر قانون نسبت به آینده است و به گذشته تسری نمی یابد .
- ☞ اگر قوانین کیفری را به گذشته عطف کنیم، یعنی اعمالی را مجازات کنیم که در زمان وقوع، جرم نبوده است، این کار با اصل قانونی بودن منافات دارد. به همین دلیل عطف بماسبق نشدن از آثار اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها ناشی می گردد.
- ☞ در حقوق اسلام قاعده جَبْ (الاسلام یجب ممّا سَلَفَ) ، ناظر به عطف بماسبق نشدن قوانین است .
- ☞ اصل ۱۶۹ قانون اساسی، همچنین ماده ۱۰ قانون مجازات و ماده ۴ قانون مدنی بیانگر اصل عطف بماسبق نشدن می باشند .

۱. قانون جدید بر خلاف حقوق مكتسبه افراد باشد. ۲. خود قانون گذار تصریح کرده باشد که به گذشته عطف نشود.	۱- شدن قوانین کیفری شکلی است مگر اینکه	اصل بر عطف بماسق
۱- تخفیف ۲- عدم اجرای مجازات یا اقدامات تأمینی ۳- از هر جهت مساعد به حال متهم ۴- خود مقنن تصریح کرده باشد	۲- نشدن قوانین کیفری ماهوی است مگر اینکه قانون ماهوی جدید مبتنی بر	

نکته: قوانین و احکام شرعی (حدود ، قصاص و دیات) همواره عطف بماسبق می شوند.^۱

نکته: قوانین تفسیری همواره عطف بماسبق می شوند مگر اینکه مقنن در مقام تفسیر، مورد جدیدی را پیش بینی کرده باشد که در این حالت مورد جدید زمانی عطف می شود که شرایط فوق (مساعد بودن به حال متهم) را داشته باشد.

نکته: دلیل عطف بماسبق شدن قوانین شکلی این است که حقوق و آزادی های فردی را بهتر تأمین می کند و ارتباطی با جرم و مجازات ندارد. مقنن در ماده ۱۱ ق.م.ا مواردی از عطف بماسبق شدن را که بیشتر واجد جنبه ی شکلی است پیش بینی کرده است:

الف) قوانین مربوط به تشکیلات و صلاحیت

ب) قوانین مربوط به ادله اثبات تا پیش از اجرای حکم

پ) قوانین مربوط به شیوه دادرسی

ت) قوانین مربوط به مرور زمان

* مواعد عطف بماسبق شدن قوانین ماهوی :

الف) اگر پیش از صدور حکم قطعی باشد: حکم متناسب با قانون جدید صادر خواهد شد نه قانون زمان وقوع جرم.

ب) اگر پس از صدور حکم قطعی باشد

۱. اگر مجازات اجراء نشده باشد، دیگر اجراء نخواهد شد. ۲. اگر در حال اجراء باشد، اجراء متوقف خواهد شد. ۳. اگر اجرا تمام شده باشد، فقط آثار آن از بین خواهد رفت.	۱- حالتی که قانون لاحق آن عمل را دیگر جرم نداند (قانون جرم زدا باشد)
--	---

^۱ - رأی وحدت رویه ۴۵ مورخ ۱۳۶۵

برای این فرض دو راه حل در قانون مجازات اسلامی و قانون آیین دادرسی کیفری پیش بینی شده است:

۱. طبق قانون آیین دادرسی کیفری (بند ۷ م ۲۷۲) از مواد اعاده دادرسی است و محکوم علیه در این فرض باید از دیوان عالی کشور درخواست اعاده دادرسی نماید.

۲. طبق قانون مجازات اسلامی (م ۱۰)، قاضی اجرای حکم مکلف است از دادگاه صادر کننده، اصلاح آن را طبق قانون جدید تقاضا کند. محکوم علیه نیز چنین حقی دارد و از دادگاه صادر کننده می تواند تقاضای تخفیف نماید.

حالتی که قانون لاحق، مجازات مندرج در سابق را تخفیف می دهد

نکته: در فرض تخفیف مجازات به موجب قانون جدید، باید م ۱۰ ق.م.ا را ناسخ بند ۷ م ۲۷۲ ق.آ.د. ک بدانیم و در شرایط فعلی تخفیف مجازات به موجب قانون جدید را از مواد اعاده دادرسی ندانیم.

❶ اگر اقدامات تامینی و تربیتی به موجب قانون جدید تخفیف یابد قاضی اجرای حکم و نیز ولی یا سرپرست اطفال می تواند تقاضای تخفیف نماید.

* قلمرو قوانین کیفری در مکان (اصول تعیین کننده صلاحیت کیفری)

* در رابطه با این موضوع ما با چهار نوع از صلاحیت سروکار داریم :

- ۱- صلاحیت سرزمینی
- ۲- صلاحیت شخصی
- ۳- صلاحیت واقعی
- ۴- صلاحیت جهانی

بند اول: صلاحیت سرزمینی^۱

❶ صلاحیت سرزمینی عبارت است از صلاحیت کیفری دولت نسبت به جرایم ارتکاب یافته در قلمرو آن.

❷ **مبنای صلاحیت :** محل وقوع جرم (قلمرو حاکمیت)

❸ **مرتکب جرم :** کلیه اشخاص (ایرانی و غیر ایرانی)

❹ ذیل ماده ۳ که مقرر می دارد «... مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد» در مقام بیان استثنائات،

صلاحیت سرزمینی، یعنی مواردی که جرمی در داخل قلمرو حاکمیت ما واقع می شود اما صالح به رسیدگی نیستیم.

^۱ - ماده ۳ و ۴ ق.م.ا

استثنائات صلاحیت
سرزمینی

- ۱- مصونیت سیاسی : یعنی نمی توان دیپلمات ها، ماموران سیاسی و دیگر افرادی که از این مصونیت برخوردار هستند را تحت تعقیب، رسیدگی و مجازات قرار داد. البته این امر شامل جرایم مشهود توسط مأمورین کنسولی نمی شود.. طبق بند ۴ م ۳۱ کنوانسیون وین، به جرایم این افراد در کشور فرستنده رسیدگی خواهد شد.
- همچنین به موجب ماده ۶ ق.م.ا اگر مأمورین سیاسی ما که در خارج از کشور از مصونیت برخوردارند. مرتکب جرم شوند، در ایران به جرایم آن ها رسیدگی خواهد شد.
- ۲- مصونیت ناشی از ایفای وظایف نمایندگی: اصل تعرض ناپذیری در مورد نمایندگان در ایران بطور مطلق پذیرفته نشده و آن ها در صورت ارتکاب جرایم عادی (یعنی جرایمی غیر از ایفای وظایف نمایندگی) قابل تعقیب می باشند.

☞ ماده ۴ ق.م.ا، قسمتی از جرم واقع شده در ایران را تابع صلاحیت سرزمینی دانسته و در ایران قابل مجازات می داند.

بند دوم : صلاحیت شخصی

☞ طبق این اصل قوانین جزایی نسبت به کلیه اتباع یک کشور قابل اعمال است اعم از اینکه در داخل یا خارج از کشور اتفاق افتاده باشد.

☞ محل وقوع جرم: خارج از ایران

- | | | |
|--|---|-------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. بز هکار محور: ارتکاب جرم توسط یکی از اتباع دولت (صلاحیت شخص فعال یا مثبت) ۲. بز ه دیده محور: ارتکاب جرم علیه یکی از اتباع دولت در خارج از کشور (صلاحیت شخصی غیر فعال یا منفی) | } | صلاحیت شخصی |
|--|---|-------------|

۱. صلاحیت شخصی فعال یا مثبت (بز هکار محور)^۱

☞ مبنای صلاحیت : تابعیت مرتکب (ایرانی)

☞ محل وقوع جرم: خارج از ایران

☞ طبق ماده ۷ ق.م.ا، محاکمه و مجازات مرتکب در ایران منوط به یافت شدن وی یا اعاده او به ایران است. بنابراین

امکان رسیدگی غیابی وجود ندارد .

☞ رفتار ارتكابی باید به موجب قانون ایران جرم باشد. (قانون ایران ملاک می باشد)

^۱ - ماده ۷ ق.م.ا

- ⊖ در مورد این نوع صلاحیت شخصی، مقنن **قاعده منع محاکمه و مجازات مجدد** را در **تعزیرات** پیش بینی کرده است. به موجب این قاعده اگر مرتکب در جرایم تعزیری در خارج از ایران (فقط محل وقوع جرم) محاکمه یا مجازات شده یا تبرئه گردیده، دیگر در ایران قابل محاکمه و مجازات نخواهد بود.
- ⊖ به موجب قانون ایران (در جرایم تعزیری)، موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن باشد، در ایران مرتکب قابل محاکمه و مجازات نخواهد بود.
- ⊖ قاعده منع محاکمه مجدد در تعزیرات پیش بینی شده ولی در مورد تعزیرات هم استثنائاتی وجود دارد. به موجب تبصره ۲ م ۱۱۵ ق.م.ا شامل **تعزیرات منصوص شرعی نخواهد شد**. بنابراین اگر ایرانی در خارج از ایران مرتکب تعزیر منصوص شرعی شود، قاعده منع محاکمه مجدد اعمال نخواهد شد.

۲. صلاحیت شخصی غیر فعال یا منفی (بزه دیده محور)^۱

- ⊖ **مبنای صلاحیت** : تابعیت مرتکب و بزه دیده (مرتکب غیر ایرانی و بزه دیده ایرانی باشد)
- ⊖ **محل وقوع جرم** : خارج از ایران
- ⊖ **نوع جرم** : هر جرمی (در مورد جرایم علیه کشور ایران، به جز جرایم مندرج در مواد ۳ الی ۷ این قانون)
- ⊖ مرتکب زمانی در ایران محاکمه خواهد شد که به ایران اعاده گردد. (امکان رسیدگی غیابی وجود ندارد)
- ⊖ در این مورد نیز قاعده منع محاکمه مجدد پیش بینی شده است. (در تعزیرات به غیر از تعزیرات منصوص شرعی)
- ⊖ **رفتار ارتكابی باید به موجب قانون هر دو کشور جرم باشد**. (بر خلاف ماده ۷ ق.م.ا که فقط قانون ایران ملاک می باشد)
- ⊖ محتوای بند پ م ۷ ق.م.ا، در مورد ماده ۸ پیش بینی نشده است.^۲
- ⊖ در این نوع صلاحیت (بزه دیده محور) یک غیر ایرانی در خارج از ایران بر روی یک ایرانی مرتکب جرم می شود. دقت شود اگر مرتکب جرم ایرانی باشد، بر اساس صلاحیت شخص فعال (بزهکار محور) در ایران قابل محاکمه خواهد بود.

بند سوم: اصل صلاحیت واقعی^۳

- ⊖ **مبنای صلاحیت**: منافع عالی حاکمیت
- ⊖ **نوع جرم** : جرایم حصری مندرج در ماده ۵ ق.م.ا یا جرایم مقرر در قوانین خاص

^۱ - ماده ۸ ق.م.ا

^۲ - طبق قوانین ایران موجبی برای منع یا موقوفی تعقیب یا موقوفی اجرای مجازات یا سقوط آن نباشد.

^۳ - ماده ۵ ق.م.ا

*** جرایم مندرج در ماده ۵ ق.م.ا عبارت اند از :**

الف) اقدام علیه نظام، امنیت داخلی و یا خارجی، تمامیت ارضی و یا استقلال جمهوری اسلامی ایران

ب) جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط مقام رهبری یا استفاده از آن^۱

پ) جعل مهر، امضاء، حکم، فرمان یا دستخط رسمی رئیس جمهور، رئیس قوه قضائیه، رئیس و نمایندگان مجلس شورای اسلامی، رئیس مجلس خبرگان^۲، رئیس دیوان عالی کشور، دادستان کل کشور، اعضای شورای نگهبان، رئیس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت، وزراء یا معاونین رئیس جمهور و یا استفاده از آنها.

ت) جعل آراء مراجع قضایی و یا اجرائیه های صادر شده از این مراجع یا سایر مراجع قانونی و یا استفاده از آن ها

ث) جعل اسکناس رایج^۳ یا اسناد تعهد آور بانکی ایران^۴، یا همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق مشارکت صادر شده یا تضمین شده از طرف دولت^۵ یا تهیه و ترویج سکه قلب^۶ در مورد مسکوکات رایج **داخل**.^۷

نکته: نکته ای که در مورد این صلاحیت باید به آن توجه داشت این است که دادگاه ایران در تعیین مجازات **تجزیری فقط محکومیت اجرا شده** را لحاظ خواهد کرد.

نکته: ماده اشعار می دارد «هرگاه رسیدگی به این جرائم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجراء آن منتهی شده باشد». اما در ماده ۷ و ۸ مقرر داشته «متهم در محل وقوع جرم محاکمه و تبرئه...». در اینجا رسیدگی خارج از ایران بر خلاف ماده ۷ و ۸ محدود به رسیدگی در محل وقوع جرم نیست و هر کجا رسیدگی شده باشد در مجازات مجدد احتساب خواهد شد.

نکته: منظور قانون گذار از جرایم مندرج در قوانین خاص مشخص نیست. به نظر منظور از «جرایم مندرج در قوانین خاص»، مواردی مانند ماده ۷ قانون قاچاق انسان مصوب ۸۳ می باشد که ارتکاب جرم های موضوع این قانون در خارج از کشور را مشمول قانون فوق می داند.

^۱ - در مورد رهبری هم مصادیق رسمی و هم مصادیق غیر رسمی را شامل می شود اما در مورد اشخاص مندرج در بند «پ» فقط مصادیق رسمی را شامل خواهد شد.

^۲ - اعضای مجلس خبرگان را شامل نمی شود.

^۳ - اسکناس باید رایج باشد یعنی در داخل چرخه پولی کشور باشد.

^۴ - همه ی مصادیق باید متعلق به ایران باشد.

^۵ - منظور دولت ایران می باشد.

^۶ - ترویج سکه قلب، یعنی اینکه کسی با علم به فساد سکه آن را وارد چرخه پولی کشور نماید.

^۷ - در مورد بند «ث» فقط جعل پیش بینی شده و استفاده از مصادیق مجعول مندرج در این بند، بر مبنای صلاحیت واقعی در ایران قابل مجازات نخواهد بود.

نکته: در این مورد محاکمه مرتکب به اعاده یا یافت شدن وی در ایران محدود نگردیده و می توان به صورتی غیابی به جرایم وی رسیدگی کرد.

* نوع دیگری از صلاحیت واقعی در ماده ۶ ق.م.ا پیش بینی شده است.

Ⓒ **مرتکب جرم:** مستخدمان دولت (اعم از ایرانی و غیر ایرانی)

Ⓒ **محل وقوع جرم:** خارج از قلمرو حاکمیت

Ⓒ **نوع جرم:** هر نوع جرمی که به مناسبت شغل یا وظیفه باشد

بند چهارم: صلاحیت جهانی (بین المللی)^۱

Ⓒ طبق کنوانسیون های بین المللی برخی از جرایم صرف نظر از اینکه در کجا ارتکاب یافته اند و مرتکب در کجایافت شود مطابق قانون جزای آن کشور تحت تعقیب قرار می گیرد. مانند قاچاق مواد مخدر، دزدی دریایی، هواپیما ربایی و ... مطابق با ماده ۹ ق.م.ا اگر مرتکبین این جرایم در ایران یافت شوند، طبق قوانین ایران قابل مجازات خواهند بود.

* استرداد :

اینکه در برخی مواد مربوط به صلاحیت، محاکمه متهم منوط به اعاده وی به ایران شده است، باید گفت که این اعاده به موجب قانون استرداد صورت می گیرد. دولت ها می توانند براساس صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی تقاضای استرداد نماید. مثلا شخصی در ترکیه مرتکب جرم شده و به ایران متواری گردیده است، دولت ترکیه می تواند بر اساس صلاحیت سرزمینی تقاضای استرداد نماید چون جرم در قلمرو حاکمیت آن کشور واقع شده است .

استثنائات پاسخ به تقاضای استرداد

۱- غیر قابل استرداد بودن اتباع داخلی ۲- غیر قابل استرداد بودن مجرمین سیاسی و نظامی ۳- قابل تعقیب بودن شخص مورد تقاضا در ایران	}
---	---

اگر چند کشور در مورد یک مرتکب تقاضای استرداد نمایند، ایران به موجب حق تقدم (ماده ۱۲ قانون استرداد مصوب ۱۳۳۹) به این تقاضاها رسیدگی خواهد کرد.

۱. اهمیت جرم ۲. محل وقوع جرم ۳. تاریخ تقاضای استرداد ۴. تعهداتی که دولت تقاضا کننده نسبت به رد مجرم می نماید	}
---	---

^۱ - ماده ۹ ق.م.ا

* عوامل موجه جرم (اسباب اباحه)

- ☞ در راستای بررسی عنصر قانونی و آثار آن (تفسیر مضیق و عطف بماسبق نشدن) عواملی را بررسی می کنیم که باعث زوال عنصر قانونی می شوند که از آنها به عنوان عوامل موجه جرم یاد می شود.
- ☞ عوامل موجه جرم کیفیاتی هستند عینی و خارجی
- ☞ علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی را هم زایل می کنند. (البته استثنائاتی هم دارند)
- ☞ عوامل موجه به فعل مرتکب مربوط می شود نه به شخص او
- ☞ علاوه بر فاعل، شریک و معاون جرم را نیز از مجازات و مسئولیت معاف می کند.

* عوامل موجه جرم عبارت است از :

۱. امر آمر قانونی، حکم قانون، اجازه قانون، اجرای قانون اهم
۲. دفاع مشروع
۳. ضرورت
۴. رضایت مجنی علیه در موارد خاص و استثنایی

بند اول : امر آمر قانونی، حکم قانون، اجازه قانون، اجرای قانون اهم

الف) امر آمر قانونی

- ☞ به استناد بند پ ماده ۱۵۸ ق.م.ا «در صورتی که ارتکاب رفتار به امر قانونی مقام ذی صلاح باشد و امر مذکور خلاف شرع نباشد» قابل مجازات نخواهد بود.

بنابراین برای اینکه امر آمر از علل موجهه جرم محسوب گردد

$\left. \begin{array}{l} ۱. امر آمر، خلاف شرع نباشد (قانونی باشد) \\ ۲. آمر نیز قانوناً حق صدور آن امر را دارا باشد \end{array} \right\}$

- ☞ امر آمر قانونی اختصاص به کارمندان و ماموران دولتی دارد. بنابراین شامل دستور شوهر به زن یا کارفرما به کارگر و ... نمی شود.

- ☞ قانونی بودن امر، منوط به اصدار آن در حیطه وظایف قانونی است. بنابراین اگر آمر دستور شکنجه متهم را صادر نماید، این امر خلاف قانون می باشد. (خلاف شرع بودن همان خلاف قانون بودن است)

☞ قانونی بودن آمر، یعنی اینکه صدور امر، در محدوده وظایف قانونی وی باشد. یعنی شهرداری نمی تواند دستور تخریب ساختمان را صادر نماید که فاقد مجوز و پروانه ساخت می باشد. زیرا ورود به منزل غیر و تخریب ساختمان ضمن رعایت مقررات مربوطه در صلاحیت مراجع قضایی است نه شهرداری.

☞ ماده ۱۵۹ ق.م.ا تکلیف فرضی را که به امر غیر قانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود را مشخص نموده است. در این فرض مسئولیت متوجه هر دو (هم آمر و هم مامور) می باشد. اما استثنائاتی هم در این بین وجود دارد که مأمور از مسئولیت کیفری مبری می شود، آن هم در صورتی که مامور، امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد. اما مسئولیت مدنی برای مامور برقرار خواهد بود.

ب) حکم قانون

☞ طبق بند الف ماده ۱۵۸ ق.م.ا «در مواردی که ارتکاب عمل به حکم یا اجازه قانون باشد» قابل مجازات نیست.

☞ اعمالی که انجام دادن آنها در شرایط عادی جرم تلقی می شود اگر به حکم قانون انجام یابد، قابل مجازات نخواهد بود. مثلاً طبق ماده ۶۴۸ ق.م.ا کتاب تعزیرات، افشای اسرار حرفه ای، جرم محسوب می گردد. از طرف دیگر مطابق با ماده ۳ قانون طرز جلوگیری از بیماری های آمیزشی و بیماری های واگیردار مصوب ۱۱ خرداد ۱۳۲۰، پزشک مکلف شده در صورت مشاهده بیماری های واگیردار مراتب را به وزارت بهداشت و درمان گزارش کند. در این حالت افشای اسرار حرفه ای، با استناد به ماده ۳ قانون اخیرالذکر قابل مجازات نخواهد بود چون دلیل مباح بودن عمل پزشک، حکم قانونگذار می باشد.

پ) اجازه قانونی

☞ قانونگذار در بندهای «الف» و «ت» ماده ۱۵۸ ق.م.ا، اجازه قانون را نیز از اسباب اباحه شناخته است.

☞ طبق بند «الف» ماده ۱۵۸ ق.م.ا، «در صورتی که ارتکاب رفتار به حکم یا اجازه قانون باشد» قابل مجازات نخواهد بود. همچنین بند «ت» همان ماده مقرر می دارد «اقدامات والدین و اولیاء قانونی و سرپرستان صغار و مجانین که به منظور تأدیب یا حفاظت آنها انجام می شود، منوط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تأدیب و مجازات باشد».

☞ منظور از والدین، پدر و مادر هستند.

☞ منظور از اولیاء قانونی، پدر، جد پدری و وصی منصوب از جانب آن ها است.

☞ منظور از سرپرستان، قیم است. مراد از سرپرستان، پدر و مادرانی هستند که با توافق یکدیگر کودک را با تصویب دادگاه و به موجب قانون حمایت از کودکان بی سرپرست مصوب ۱۳۵۳ به سرپرستی پذیرفته اند. به موجب ماده ۱۱ همین قانون «وظایف و تکالیف سرپرست طفل تحت سرپرستی او از لحاظ نگهداری، تربیت، نفقه و احترام، نظیر حقوق و تکالیف اولاد و پدر و مادر است».

ت) ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم:

Ⓒ طبق بند «ب» ماده ۱۵۸ ق.م.ا «در صورتی که ارتکاب رفتار برای اجرای قانون اهم لازم باشد» قابل مجازات نخواهد بود. مثلاً تخریب، در شرایط عادی جرم است اما اگر در جهت اطفای حریق یا نجات جان دیگری باشد یا نقض مقررات راهنمایی و رانندگی برای نجات بیمار باشد، قابل مجازات نخواهد بود.

بند دوم: دفاع مشروع

Ⓒ طبق ماده ۱۵۶ ق.م.ا «هرگاه فردی در مقام دفاع از نفس، عرض، ناموس یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی یا قریب الوقوع با رعایت مراحل دفاع مرتکب رفتاری شود، که طبق قانون جرم محسوب می شود، در صورت اجتماع شرایط زیر مجازات نخواهد شد:

الف) رفتار ارتكابی برای دفع تجاوز یا خطر ضرورت داشته باشد.

ب) دفاع مستند به قرائن معقول یا خوف عقلایی باشد.

پ) خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد.

ت) توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد یا مداخله آنان در دفع تجاوز و خطر مؤثر واقع نشود».

Ⓒ مقنن شرایط دفاع را در بندهای چهارگانه ماده ۱۵۶ ق.م.ا احصا شده است. اما تجاوز و حمله نیز باید شرایطی داشته باشد که به بررسی آن ها می پردازیم:

۱- تجاوز باید غیر قانونی باشد: مثلاً دفاع در برابر مأمورین دولتی که در حین انجام وظیفه هستند، دفاع مشروع بصورت مطلق نیست و استثنائاتی هم برای آن در نظر گرفته شده است که مطابق با آن هرگاه قوای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری از حدود وظایف خارج شوند و حسب ادله و قرائن موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل، جرح^۱، تعرض به عرض یا ناموس یا مال گردد دفاع جایز خواهد بود.

شرایطی که می توان در برابر مأمورین نظامی و انتظامی دفاع نمود:

الف) از حدود وظایف خارج شوند.

ب) حسب ادله و قرائن خوف آن باشد که عمل آنها منجر به

خواهد شد .

قتل
جرح
تعرض به عرض
تعرض به ناموس
تعرض به مال

^۱ - دفاع از «ضرب» و «آزادی تن» در برابر مأمورین دولتی پیش بینی نشده است.

۲- فقدان تحریک قبل از تجاوز: خطر و تجاوز به سبب اقدام آگاهانه یا تجاوز خود فرد و دفاع دیگری صورت نگرفته باشد. یعنی حمله نباید نتیجه تحریک مدافع باشد.

۳- فعلیت خطر برای تحقق دفاع مشروع: دفاع باید مقارن با تجاوز باشد. دفاع در مقابل حمله ای که در گذشته بوده (انتقام جویی) جایز نیست، همچنین دفاع در مقابل خطر محتمل در آینده (پیشگیری) جایز نمی باشد.

نکته: دفاع از شخص دیگری نیز جایز است اما برای آن، مقنن، علاوه بر شرایط فوق، شرایط دیگری را نیز پیش بینی کرده است.

* شرایط دفاع از دیگری :

- از نزدیکان مدافع باشد.
- مسئولیت دفاع از وی بر عهده دفاع کننده باشد.
- ناتوان از دفاع باشد.
- تقاضای کمک نماید.
- در وضعیتی باشد که امکان استمداد نداشته باشد.

Ⓒ وجود هر کدام از شرایط فوق، دفاع از دیگری را مشروع می نماید.^۱

نکته: اگر شخصی برای دفاع و رهایی از اکراه با رعایت شرایط مقرر در دفاع مشروع، مرتکب قتل اکراه کننده شود یا آسیبی به او وارد کند، قصاص، دیه و تعزیر ندارد.^۲

نکته : هرگاه اصل دفاع محرز باشد ولی رعایت شرایط آن محرز نباشد (شرایط دفاع در بندهای «الف» الی «ت» ماده ۱۵۶ ق.م.ا پیش بینی شده است) اثبات عدم رعایت شرایط دفاع بر عهده مهاجم است.^۳

نکته : در دفاع مشروع علاوه بر مسئولیت کیفری، مسئولیت مدنی نیز منتفی است. اما در مورد تهاجم **دیوانه**، دیه از بیت المال پرداخت خواهد شد.^۴

* موضوعات دفاع:

- نفس (قتل، جرح، ضرب)،
- عرض (آبرو و شرافت خانوادگی)،

^۱ - تبصره ۱ ماده ۱۵۶ ق.م.ا

^۲ - ماده ۳۸۰ ق.م.ا

^۳ - تبصره ۲ ماده ۱۵۶ ق.م.ا

^۴ - تبصره ۳ همان

- ناموس (زنان و دختران نسبت به خانواده)،

- مال،

- آزادی تن.

☉ همه این موارد درمورد دفاع از دیگری نیز صادق است.

بند سوم: ضرورت

☉ طبق ماده ۱۵۲ ق.م.ا «هرکس هنگام بروز خطر شدید فعلی یا قریب الوقوع از قبیل آتش سوزی، سیل، زلزله یا بیماری به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، قابل مجازات نیست مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکند و رفتار ارتكابی با خطر متناسب و برای دفع آن ضرورت داشته باشد».

☉ خطر باید شدید باشد؛ یعنی دفع خطر بدون ارتكاب عمل ممنوعه ممکن نباشد. (ارتكاب جرم ضرورت داشته باشد)

☉ فعلیت یا قریب الوقوع بودن خطر از شرایط توسل به حالت ضرورت است. بنابراین عکس العمل در برابر خطراتی که در گذشته بوده یا امکان وقوع آن در آینده است شامل ماده نخواهد شد.

☉ عمل ارتكابی باید با خطر متناسب باشد؛ یعنی منطقاً میزان خطر مورد اجتناب بیش از خطر ناشی از فعل ارتكابی بوده یا لا اقل خسارت احتمالی و زیان وارده مساوی باشد.

☉ نباید مرتکب خطر را عمداً ایجاد کرده باشد؛ کسی که خطر را عمدی ایجاد کرده، سپس برای مقابله با آن به ناچار مرتکب جرم شده است، مسئول عمل خود به حساب می آید.^۱

نکته: ضرورت از عوامل موجهه جرم است اما استثنائاً در این مورد مسئولیت مدنی برقرار می باشد. اما مطالبه مسئولیت مدنی به عنوان ضرر و زیان ناشی از جرم منتفی است (چون عمل جرم نیست). با وجود این، جبران خسارت بر اساس قواعد اتلاف و تسبیب امکان پذیر است.

نکته: کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف به مقابله با خطر می باشند، نمی توانند با تمسک به ضرورت از ایفای وظایف قانونی خود امتناع نمایند.^۲

بند چهارم: رضایت

☉ قوانین جزایی از جمله قوانین آمره هستند و نمی توان بر خلاف آن توافق نمود. اما در برخی موارد استثنائاتی باعث عدم تحقق جرم می شود.

^۱ - قید «عمداً»، خطرهای غیرعمدی و سهوی را خارج کرده است.

^۲ - تبصره م ۱۵۲ ق.م.ا

⊖ البته رضایت باید قبل از ارتکاب جرم باشد. رضایت بعد از ارتکاب جرم گذشت نام دارد و تاثیر آن بسته به نوع جرم (قابل گذشت بودن یا نبودن) و بسته به مرحله ابراز آن (قبل از صدور حکم قطعی و یا بعد از آن) متفاوت خواهد بود.

* شرایطی که رضایت باعث عدم تحقق جرم می شود باید داشته باشد :

- ۱- پیش از ارتکاب جرم یا مقارن با آن ابراز شده باشد.
- ۲- باید عاری از عیب و آزادانه ابراز شود.
- ۳- رضایت دهنده باید عاقل، بالغ و دارای اهلیت باشد.

* مواردی که رضایت مجنی علیه شرط اباحه عمل می باشد :

مورد اول : عمل جراحی یا طبی

مطابق با بند «ج» ماده ۱۵۸ ق.م.ا «هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیاء یا سرپرستان یا نمایندگاه قانونی وی و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام می شود. در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نیست».

- | | | |
|---|---|-----------------------|
| <ol style="list-style-type: none"> ۱. عمل جراحی یا طبی مشروع باشد. ۲. رضایت مجنی علیه وجود داشته باشد. ۳. رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی شده باشد. | } | شرایط مقرر برای رضایت |
|---|---|-----------------------|

⊖ مشروع بودن عمل جراحی یا طبی یعنی اینکه پزشک عمل را به قصد درمان و نجات بیمار انجام دهد. از جمله اعمال جراحی نامشروع که در آنها رضایت بیمار تأثیری در مسئولیت پزشک ندارد، می توان به سقط جنین اشاره کرد.

⊖ شرط دیگری که لازم است تا عمل جراحی، جرم تلقی نگردد، اخذ رضایت از بیمار یا اشخاص دیگری است که قانون ذکر کرده است (اولیاء قانونی یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی وی)

⊖ رضایت بیمار یا کسان وی مسئولیت کیفری را از پزشک زایل می کند، برای اینکه پزشک مسئولیت مدنی نیز نداشته باشد باید براءت اخذ نماید.^۱ در عین حال بر خلاف قانون مجازات اسلامی سابق، مطابق با م ۴۹۵ ق.م.ا جدید، حتی اگر براءت اخذ نشده باشد اما در عین حال پزشک رعایت موازین علمی و فنی را نموده باشد ضامن نخواهد بود.^۲

^۱ - م ۴۹۵ ق.م.ا

^۲ - تبصره ۱ ماده ۴۹۵ مقرر می دارد «در صورت عدم قصور یا تقصیر پزشک در علم و عمل برای وی ضمان وجود ندارد، هر چند براءت اخذ نکرده باشد».

نکته: ولی بیمار اعم از ولی خاص است مانند پدر و مادر و ولی عام که مقام رهبری است. در موارد فقدان یا عدم دسترسی به ولی خاص، رئیس قوه قضاییه با استیذان از مقام رهبری و تفویض اختیار به دادستان های مربوط به اعطای برائت به طبیب اقدام می نماید.^۱

ولی بیمار

۱- خاص : پدر و جد پدری

۲- عام : رهبری (در موارد فوری، اخذ رضایت از رهبری نیز لازم نیست)

نکته: در موارد فوری اخذ رضایت لازم نیست. مثلاً اگر مجروح در حالت وخیم باشد و امکان اخذ رضایت وجود نداشته باشد و دسترسی به ولی و سایر اشخاص دیگری که قانوناً حق ابراز رضایت را دارند موجب فوت وقت گردد، پزشک بدون اخذ رضایت اقدام خواهد نمود. در موارد فوری اخذ برائت لازم نیست.^۲

نکته: صرف ابراز رضایت مسئولیت پزشک را زایل نخواهد کرد. حتی پزشکی که برائت اخذ نموده، در صورتی که موازین علمی و فنی را رعایت ننموده باشد باز هم ضامن است. چرا که شرایط مقرر در بند «ج» م ۱۵۸ ق.م.ا، باید همگی وجود داشته باشد یعنی هم مشروع باشد هم اخذ رضایت شده باشد، هم رعایت موازین فنی شده باشد. از طرف دیگر ماده ۴۹۵ ق.م.ا مقرر می دارد «... مگر این که پزشک رعایت موازین فنی را کرده یا اینکه قبل از معالجه برائت گرفته و مرتکب تقصیری هم نشود ...»

● اخذ برائت و رضایت از خود بیمار به عمل می آید مگر اینکه اخذ آن از مریض به دلیل نابالغ یا مجنون بودن او یا به دلایل بیهوشی و مانند آن ممکن نگردد که در این حالت از ولی مریض تحصیل خواهد شد.

در صورت تلف یا صدمه بدنی اصل بر

مسئولیت پزشک می باشد مگر اینکه

۱. رعایت مقررات پزشکی و موازین فنی شده باشد. یا

۲. پزشک برائت اخذ نموده و مرتکب تقصیری هم نشده باشد.

● با اخذ برائت مسئولیت مدنی نیز زایل می گردد. در صورت عدم اخذ رضایت، پزشک زمانی مسئولیت مدنی نخواهد داشت که رعایت موازین فنی و نظامات پزشکی کرده باشد.

نکته : اگر پزشک دستور انجام معالجاتی را به خود مریض یا پرستار داده باشد ولی مریض یا پرستار بداند که این دستور اشتباه است و موجب صدمه یا تلف می شود ولی همچنان به این دستور عمل کند ، پزشک ضامن نیست.^۱

^۱ - تبصره ۲ همان ماده

^۲ - ماده ۴۹۷ ق.م.ا

نکته: موردی در قانون مجازات پیش بینی شده که رضایت بعد از ارتکاب جرم و قبل از تحقق نتیجه توسط خود مجنی ابراز می گردد. طبق ماده ۳۱۵ ق.م.ا «در قتل و سایر جنایات عمدی، مجنی علیه می تواند پس از وقوع جنایت و پیش از فوت از حق قصاص گذشت کرده یا مصالحه نماید و اولیا دم و وارثان نمی توانند پس از فوت او، حسب مورد مطالبه قصاص یا دیه کنند، لکن مرتکب به تعزیر مقرر در کتاب پنجم "تعزیرات" - ماده ۶۱۲ ق.م.ا کتاب تعزیرات - محکوم می شود». نفس قتل همیشه ممنوع است ولی آنچه در این جا مطرح است، اسقاط حق خصوصی قصاص توسط مجنی علیه است.^۲

مورد دوم: عملیات ورزشی

بند «ث» ماده ۱۵۸ ق.م.ا مقرر می دارد «عملیات ورزشی و حوادث ناشی از آن، مشروط بر اینکه سبب حوادث، نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم مغایر موازین شرعی نباشد».

۱- منطبق بودن عمل با مقررات خاص آن ورزش ۲- عدم مخالفت آن مقررات با موازین شرعی	}	شرایط لازم برای عملیات ورزشی
--	---	------------------------------

نکته: البته شرط ضمنی جرم نبودن حوادث ورزشی که در بند ث به آن تصریح نشده است، همان رضایت ورزشکاران و پذیرش آثار احتمالی ناشی از فعالیت های ورزشی است.

^۱ - تبصره ۱ ماده ۴۹۶ ق.م.ا

^۲ - این مورد جزو معاذیر قانونی معاف کننده از مجازات است نه عوامل موجهه جرم. بنابراین شرکاء و معاونین جرم که چنین رضایتی را اخذ نکرده اند همچنان مسئول و مستوجب کیفر باقی می مانند.

گفتار دوم: عنصر مادی

⊕ فعل یا عمل خارجی تجلی نیت مجرمانه و یا تقصیر جزایی است عنصر مادی جرم را تشکیل می دهد.

⊕ عنصر مادی را پیکره جرم می نامند.

* اجزاء عنصر مادی

۱- **ویژگی مرتکب:** در برخی موارد مقنن ویژگی خاصی را برای مرتکب جرم در نظر گرفته است. مثلاً در جرم است و هرکس می تواند مرتکب آن عمل مجرمانه گردد.

۲- اقسام رفتار مجرمانه:

(الف) برخی از جرایم صرفاً از طریق فعل واقع می شود (یعنی انجام دادن عمل ممنوعه) مانند سرقت، کلاهبرداری

(ب) برخی از جرایم صرفاً از طریق ترک فعل واقع می شود (یعنی انجام ندادن تکالیفی که مقنن پیش بینی کرده است) ترک انفاق، خودداری از انجام دادن وظایف قانونی، خودداری از کمک مصدومین.

(پ) برخی جرایم هم به صورت ترک فعل واقع می شود هم بصورت فعل مانند قتل عمد، خیانت در امانت.

(ت) عنصر مادی برخی از جرایم بصورت فعل ناشی از ترک فعل است. مانند قتل غیر عمد (فعل) ناشی از رانندگی با وسیله نقلیه دارای نقص فنی (ترک فعل).

(ث) گاهی عنصر مادی جرم را وضعیت یا حالت تشکیل می دهد مانند اعتیاد، ولگردی و...

(ج) گاهی عنصر مادی جرم بصورت داشتن یا نگهداری است. مانند نگهداری مشروبات الکلی، مواد مخدر، اسلحه غیرمجاز

۳- موضوع جرم

⊕ موضوع جرم، آن چیزی است که جرم بر روی آن واقع می شود. گاهی موضوع جرم انسان است (جرایم علیه اشخاص)، گاهی موضوع جرم مال است (جرایم علیه اموال) و ...

۴- وسیله ارتکاب جرم

⊕ اصل بر این است که تحقق جرم نیاز به وسیله خاصی ندارد مگر در مواردی که مقنن وسیله خاصی را شرط می داند مانند کلاهبرداری که در آن وسیله باید متقلبانه باشد.

۵- نتیجه جرم :

جرائم بر حسب اینکه تحقق نتیجه برای وقوع جرمی موثر است یا نه، به جرائم مطلق و جرائم مقید تقسیم می شوند.

الف) جرائم مطلق: صرف فعل یا ترک فعل کافی برای تحقق جرم است و حصول نتیجه را مقنن ضروری نمی داند مانند نشر اکاذیب، شهادت دروغ، غضب عناوین، جعل، آدم ربایی، توهین، محاربه و ...

ب) جرائم مقید: علاوه بر فعل یا ترک فعل، مقنن حصول نتیجه را برای تحقق جرم ضروری می داند مثل سرقت، کلاهبرداری، تخریب، قتل و ...

* جرائم از لحاظ ساختار به ۳ دسته، تقسیم بندی می شوند :

الف) جرائم ساده: جرایمی که عنصر مادی آن ها از یک واحد تشکیل شده و با یک اقدام واقع می شود مثل قتل. عنصر مادی در جرائم ساده یا همان بسیط، قابل تفکیک نیست.

ب) جرائم مرکب: جرایمی که از چند عمل مختلف تشکیل می شوند که هیچ کدام از آنها به تنهایی جرم نیست ولی مجموعاً جرمی را بوجود می آورند. مثلاً کلاهبرداری که عنصر مادی آن عبارت است از توسل به وسایل متقلبانه + بردن مال دیگری.^۱

پ) جرائم به عادت: عنصر مادی این جرائم از چندین عمل مشابه تشکیل می شود. تکرار عمل شرط است تا عادت مرتکب احراز گردد. به عبارت دیگر جرم به عادت موقوف به وقوع فعل معین در دفعات مکرر است. گفته می شود برای احراز عادت، عمل مجرمانه باید حداقل ۲ بار تکرار گردد تا جرم تلقی شود. مانند تکدی گری، ولگردی و

* مراحل ارتکاب جرم

بزهکار برای ارتکاب جرم باید مراحل زیر را طی کند:

الف) قصد ارتکاب جرم :

مجرد قصد ارتکاب جرم، بدون تبلور عمل خارجی قابل مجازات نیست. م ۱۲۳ ق.م.ا در همین باره مقرر می دارد «مجرد قصد ارتکاب جرم و.... قابل مجازات نمی باشد».

^۱ - البته این تعریف دکتر گلدوزیان واجد ایراد است چرا که در جرائم مرکب نمی توان گفت همیشه هیچ کدام از اجزا عنصر مادی جرم نیست. مثلاً در همین مثال کلاهبرداری، توسل به وسایل متقلبانه می تواند تحت عناوین جعل یا استفاده از سند مجعول قابل تعقیب باشد.

⊖ در مواردی استثنایی مقنن مجرد قصد ارتکاب جرم را به عنوان جرم مستقل قابل مجازات می داند، مثلاً کسی که تهدید به قتل یا ضرر نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سر می نماید، هنوز در مرحله قصد مجرمانه می باشد اما مقنن تا همین اندازه را قابل مجازات می داند.

ب) تهیه مقدمات :

⊖ تهیه مقدمات اصولاً قابل مجازات نیست زیرا تهیه مقدمات همیشه کاشف از نیت مجرمانه عامل آن نبوده است.

⊖ ماده ۱۲۳ ق.م.ا نیز در همین راستا مقرر می دارد «مجرد قصد ارتکاب جرم و یا عملیات یا اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده ... قابل مجازات نیست». تهیه مقدمات، مقدمه جرم می باشد، بنابراین فردی که مقداری طناب خریده تا با آن شخصی را دار بزند قابل مجازات نیست.

⊖ در برخی موارد مقنن تهیه مقدمات را به عنوان جرم مستقل قابل مجازات می داند. مانند ماده ۶۱۱ ق.م.ا کتاب تعزیرات که مقرر می دارد «هرگاه دو نفر یا بیشتر اجماع و تبانی نمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را نیز فراهم کرده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند، حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد».

پ) مرحله شروع به اجرا :

⊖ شروع به جرم عبارت است از عملیات اجرایی جرم

⊖ ماده ۱۲۲ ق.م.ا مقرر می دارد «هر کس قصد ارتکاب جرمی را نماید و شروع به اجرای آن کند، لکن بواسطه عامل خارج از اراده او قصدش معلق بماند مجازات خواهد شد».

⊖ از شرایط تحقق شروع به جرم، قصد مجرمانه قبلی است. بنابراین شروع به جرم در جرایم غیر عمدی منتفی است.

⊖ صرف قصد مجرمانه کافی نیست و مرتکب باید شروع به اجرای آن قصد مجرمانه نماید. یعنی عملیات اجرایی جرم را آغاز کند. از طرف دیگر شروع به اجرا مستلزم ارتکاب عمل مادی است و در جرایمی که عنصر مادی آنها بصورت ترک فعل می باشد، محقق و ثابت نیست.

⊖ از شرایط دیگر تحقق شروع به جرم، وجود مانع خارجی است. یعنی مرتکب با اراده خود، عملیات اجرایی را ترک نکرده باشد. انصراف ارادی باعث عدم تحقق شروع به جرم می شود. ماده ۱۲۴ ق.م.ا در این باره مقرر می دارد «هرگاه شخصی شروع به جرمی نماید و به اراده خود آن را ترک کند به اتهام شروع به آن جرم تعقیب نمی شود لکن

اگر همان مقدار رفتاری که مرتکب شده است جرم باشد، به مجازات همان جرم محکوم می شود». برای ماده ۱۲۴ می توان این مثال را ذکر کرد که شخصی برای قتل فردی اسلحه ای خریداری کرده و به قصد قتل وی، اسلحه را به سمت او نشانه گیری کرده است اما در این حالت خودش منصرف می گردد. در این مثال شخص مرتکب به اتهام شروع به جرم قابل مجازات نیست (شروع به قتل) اما چون خرید و حمل اسلحه غیر مجاز خود جرم مستقلی است به مجازات آن محکوم خواهد شد.

* مجازات شروع به جرم :

در برخی موارد مقنن بصورت خاص، در فرض شروع به جرم مجازات خاصی را پیش بینی کرده است. این موارد عبارت است از :

- ۱- شروع به برخی سرقت های تعزیری.^۱
- ۲- شروع به کلاهبرداری.^۲
- ۳- شروع به اختلاس.^۳
- ۴- شروع به ارتشاء.^۴
- ۵- شروع به آدم ربایی.^۵
- ۶- شروع به اسید پاشی.^۶
- ۷- شروع به جرم تخریب و خرابکاری وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی، مثل شبکه آب، برق و گاز.^۷
- ۸- شروع به حرق عمارت، اشجار و باغ ها و انبار.^۸
- ۹- شروع به جعل و تزویر.^۹
- ۱۰- شروع به قتل عمدی.^{۱۰}
- ۱۱- سوء قصد به جان رهبر و هر یک از روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید.^{۱۱}

^۱ - فقط سرقت های تعزیری مندرج در مواد ۶۵۱ الی ۶۵۴ ق.م.ا از کتاب تعزیرات به استناد ماده ۶۵۵ از همان قانون

^۲ - تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۶۴

^۳ - ماده ۶ از قانون اخیر

^۴ - تبصره ۳ ماده ۳ همان قانون؛ شروع به رشا مشمول این ماده نیست و باید مجازات آن بر اساس ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین نمود.

^۵ - ماده ۶۲۱ ق.م.ا؛ شروع به نوزاد ربایی موضوع ماده ۶۳۱ ق.م.ا کتاب تعزیرات مشمول این ماده نیست و مجازات آن براساس ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین می گردد.

^۶ - طبق ماده واحده لایحه قانونی مربوط به اسید پاشی مصوب ۱۳۳۷، ۲ تا ۵ سال حبس پیش بینی شده است

^۷ - تبصره ۲ ماده ۶۸۷ ق.م.ا از کتاب تعزیرات

^۸ - تبصره ۲ ماده ۶۷۵

^۹ - ماده ۵۴۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات؛ شروع به استفاده از سند مجعول مشمول این ماده نیست و مجازات آن مطابق با ماده ۱۲۲ ق.م.ا تعیین می گردد.

^{۱۰} - ماده ۶۱۳ ق.م.ا کتاب تعزیرات

۱۲- اقدام به خارج کردن اشیاء عتیقه هر چند منجر به خارج شدن نشود، قاچاق محسوب می گردد.^۲

۱۳- اقدام به اخلال در نظام اقتصادی کشور چنانچه به قصد ضربه زدن به نظام یا به قصد مقابله با آن یا با علم به موثر بودن اقدام با نظام باشد.^۳

۱۴- شروع به کلاهبرداری با صدور اعلامیه پذیره نویسی سهام یا اعلامیه انتشار اوراق قرضه متضمن اطلاعات نادرست و ناقص.^۴

۱۵- شروع به قاچاق انسان و در حکم آن.^۵

***شروع به جرایم فوق مشمول مجازات های خاص مندرج خواهد بود و در غیر موارد فوق مجازات شروع به جرم بر اساس ماده ۱۲۲ تعیین خواهد گردید. مطابق با این ماده:**

الف) در جرایمی که مجازات های قانونی آنها سلب حیات^۶ یا حبس تعزیری درجه یک تا سه است^۷ به حبس تعزیری درجه چهار.

ب) در جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو^۸ یا حبس تعزیری درجه چهار^۹ به حبس تعزیری درجه پنج.

پ) در جرایمی که مجازات قانونی آنها شلاق حدی یا حبس تعزیری درجه پنج^{۱۰} است، به حبس تعزیری یا شلاق یا جزای نقدی درجه شش محکوم می گردد.

نکته: برای تعیین مجازات شروع به جرم، مجازات های قانونی ملاک می باشد.

نکته: در تعزیرات فقط سلب حیات (اعدام) و حبس، آن هم در حبس تعزیری درجه ۱ الی ۵ شروع به جرم قابل تحقق می باشد.

نکته: مقنن در تبصره ی ماده ۱۲۲ ق.م.ا، شروع به جرم را در جرم محال قابل تحقق می داند و آن را در حکم شروع به جرم می داند.

نکته: دیوان عالی کشور در تحقق شروع به جرم، از نظریه عینی تبعیت کرده است.

^۱- ماده ۵۱۵ ق.م.ا از کتاب تعزیرات

^۲- ماده ۵۶۱ ق.م.ا از کتاب تعزیرات؛ در این مورد در واقع مقنن شروع به جرم را جرم تام در نظر گرفته است.

^۳- ماده ۲ قانون مجازات اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۶۹

^۴- ماده ۲۴۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۴۷

^۵- تبصره ۲ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق انسان مصوب ۸۳

^۶- مجازات های سالب حیات شامل مجازات های اعدام، قصاص نفس، رجم و صلب می شود.

^۷- حبس بیش از ۱۰ تا ۲۵ سال

^۸- قطع عضو مجازات قانونی سرقت حدی برای بار اول و دوم و نیز یکی از مجازات های چهارگانه محاربه است

^۹- حبس بیش از ۵ تا ۱۰ سال

^{۱۰}- حبس بیش از ۲ تا ۵ سال

گفتار سوم: عنصر معنوی

⊖ عنصر معنوی، فعل و انفعالات ذهنی مرتکب است.

⊖ جرایم بر حسب عنصر معنوی به جرایم عمدی و غیر عمدی تقسیم بندی می شوند.

بند اول: عنصر معنوی در جرایم عمدی

⊖ عنصر معنوی در جرایم عمدی، عمد است. (قصد مجرمانه)

⊖ عمد، عبارت است از هدایت اراده انسان به سوی منظوری که انجام یا عدم انجام آن را قانون گذار منع یا امر نموده است.

⊖ «سوء نیت، سوء قصد، عالمانه و عامداً» مواردی است که مقنن از آن ها در متون قانونی استفاده می کند و همگی آن در یک معنی بکار می رود و مراد از آن عمدی بودن است. البته نیازی به این کار نیست چرا که اصل بر **عمدی بودن جرایم است** و قانون گذار در برخی موارد محدود و به تصریح، جرایم غیر عمدی را مجازات می کند.

* اجزاء عمد:

الف) علم

لازمه وجود قصد مجرمانه، آگاهی و وقوف مرتکب بر دو چیز است:

۱- علم به حکم:

مراد از علم به حکم، آگاهی و وقوف مرتکب بودن عمل ارتكابی است. یعنی اینکه مرتکب بداند عملی که انجام می دهد، جرم محسوب می گردد. از طرف دیگر این سؤال مطرح می گردد که آیا جهل به حکم، رافع مسئولیت است یا نه؟ مقنن در ماده ۱۵۵ ق.م.ا مقرر می دارد « جهل به حکم، مانع از مجازات مرتکب نیست ». فلسفه حکم این ماده توجه پیش از حد مقنن برای حفظ نظم عمومی است. چون اگر جهل به حکم را رافع مسئولیت بدانیم، بسیاری از مرتکبین با ادعای جهل به حکم، از چنگال عدالت گریخته می شوند.

مقنن فقط در مورد حدود، علم به حکم را از شرایط مسئولیت کیفری می داند. م ۲۱۷ ق.م.ا مقرر می دارد «در جرایم موجب حد، مرتکب در صورتی مسئول است که علاوه بر داشتن علم، قصد و شرایط مسئولیت کیفری به حرمت شرعی رفتار ارتكابی نیز آگاه باشد». منظور از وقوف مرتکب به حرمت شرعی رفتار ارتكابی، همان علم به حکم است. از طرف

دیگر م ۲۱۸ از همین قانون، ادعای جهل به حکم را به صرف احتمال صدق گفتار، بدون شاهد و سوگند می پذیرد در مورد سایر جرایم همان طور که ماده ۱۵۵ قانون اخیرالذکر بیان کرد «جهل به حکم، رافع مسئولیت نیست» اما در ادامه استثنائاتی را برای مسموع بودن جهل به حکم مقرر دانسته است.

استثنائات پذیرش جهل به حکم از سوی مرتکب

۱- تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد. یا

۲- جهل به حکم شرعاً عذر محسوب گردد.

نکته: جهل به نوع یا میزان مجازات، مانع از مجازات نیست.^۱

۲- علم به موضوع :

☉ موضوع آن چیزی است که جرم بر روی آ واقع می گردد.

☉ علم به موضوع از شرایط تحقق مسئولیت کیفری در جرایم عمدی است. قانونگذار در ماده ۱۴۴ ق.م.ا مقرر می دارد «در تحقق جرایم عمدی علاوه بر علم مرتکب به موضوع جرم...» پس مقنن علم به موضوع را برای تحقق جرم ضروری می داند.

☉ جهل موضوعی منجر به عدم تحقق جرم خواهد شد. فردی کتابی را به تصور اینکه متعلق به خودش است برداشته، در اینجا نسبت به موضوع (کتاب) جهل وجود دارد و جرم سرقت محقق نخواهد شد. اما در برخی موارد جهل موضوعی جرم را از عمدی بودن خارج می کند اما داخل در غیر عمدیات می گردد. مثلاً در مورد جرم قتل، به موجب بند «ب» ماده ۲۹۱ ق.م.ا «هرگاه مرتکب، جهل به موضوع داشته باشد مانند آنکه جنایتی را با اعتقاد به اینکه موضوع رفتار وی شیء یا حیوان یا افراد مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است به مجنی علیه وارد کند، سپس خلاف آن معلوم گردد»، شبه عمد محسوب می گردد. در اینجا جهل موضوعی قتل را از عمد به شبه عمد (غیر عمد) تبدیل می کند.

نکته: اثر شبه موضوعی در جرایم غیر عمدی بی تأثیر است.

ب) سوء نیت

سوء نیت یعنی یقین بر حصول نتیجه مجرمانه. برای تحقق جرایم عمدی، صرف علم (حکم، موضوع) کافی نیست. باید علاوه بر علم، خواستن نیز برقرار باشد.

۱- سوء نیت عام

☉ سوء نیت عام یعنی خواست انجام عمل.

^۱ - تبصره ماده ۱۵۵ ق.م.ا

⊖ در جرایم مطلق، صرف خواست انجام عمل برای تحقق عمل ممنوعه کفایت می کند و نیازی به احراز نتیجه مجرمانه نیست. مثلاً کارمندی چکی را بعنوان رشوه دریافت کرده است اینکه محل چک خالی از وجه باشد تأثیری در مسئولیت کارمند ندارد و برگشت خوردن چک، سلب عنوان مجرمانه نمی کند.

۲- سوء نیت خاص:

⊖ سوء نیت خاص یعنی خواست تحقق نتیجه که صرفاً در جرایم مقید مطرح می گردد.

⊖ جرایم مقید جرایمی است که تحقق آن ها، منوط به حصول نتیجه ی خاص مورد نظر قانونگذار است.

⊖ در جرایم مقید، علاوه بر خواست انجام عمل، خواست تحقق نتیجه نیز لازم است. مثلاً در جرم سرقت، صرف برداشتن مال کفایت نمی کند بلکه این کار باید به قصد اضرار مالک (نتیجه) و خارج شدن مال از سلطه مالکیت او انجام شود. به همین دلیل ماده ۱۴۴ ق.م.ا مقرر می دارد «... در جرائمی که وقوع آنها براساس قانون منوط به تحقق نتیجه است، قصد نتیجه یا علم به وقوع آن نیز باید محرز شود».

پ) انگیزه:

⊖ انگیزه یا داعی شبیه به جهت است در معاملات مدنی.

⊖ انگیزه کنش های خودآگاه یا ناخودآگاهی است که فرد را بسوی ارتکاب جرم سوق می دهد. عامل اصلی ارتکاب جرم همان انگیزه است. مثلاً فردی با چاقو به شخص دیگر ضربه ای وارد می کند (خواست انجام عمل) به قصد کشتن وی (خواست تحقق نتیجه) به این دلیل که مزاحم خواهر او شده بود (انگیزه). در اینجا انگیزه عامل اصلی برای هدایت مرتکب به سوی ارتکاب عمل ممنوعه می باشد.

⊖ همچنان که در حقوق مدنی اصل بر این است که جهت در صحت عقود بی تأثیر است، در حقوق جزا، انگیزه نیز در تحقق یا عدم تحقق جرم تأثیری ندارد. البته این ها قاعده یا اصل است و می تواند استثناء هم داشته باشد. مثلاً در مورد جرم نشر اکاذیب (موضوع ماده ۶۹۸ ق.م.ا) مقنن مقرر می دارد «هرکس به قصد اضرار یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات...» (قصد اضرار یا تشویش) باید وجود داشته باشد اما در ذیل ماده مقرر می دارد «اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه»، در اینجا مقنن حدوث ضرر مادی یا معنوی را لازم نمی داند پس نشر اکاذیب جرمی مقید نیست و عبارت صدر ماده «قصد اضرار یا تشویش» انگیزه این جرم می باشد که برای تحقق جرم وجود آن ضروری است.

* تأثیر انگیزه در تعیین مجازات :

- ⊖ انگیزه در تعیین مجازات تعزیری، تأثیر دارد.^۱
- ⊖ انگیزه شرافتمندانه از جهات تخفیف مجازات تعزیری است.^۲
- ⊖ انگیزه شرافتمندانه در تعلیق، تعویق و.... نیز تأثیر دارد.^۳

بند دوم: عنصر معنوی در جرایم غیر عمدی

- ⊖ در حقوق جزا، اصل بر عمدی بودن جرایم است مگر در موارد استثنایی که نتیجه واقع شده برای قانونگذار آن چنان اهمیتی دارد که غیر عمدی بودن آن را هم جرم تلقی می کند. بنابراین غیر عمدی بودن جرم باید تصریح شود.
- ⊖ عنصر معنوی در جرایم غیر عمدی، **تقصیر** است. ماده ۱۴۵ ق.م.ا مقرر می دارد «تحقق جرایم غیر عمدی منوط به احراز تقصیر مرتکب است».
- ⊖ مقنن در تبصره ماده ۱۴۵ مصادیق تقصیر را احصا نموده است. (اعم از بی احتیاطی و بی مبالاتی)
- ⊖ در قوانین خاص، گاهاً مقنن از اصطلاحاتی مانند مسامحه، غفلت، عدم مهارت، عدم رعایت نظامات دولتی و... استفاده شده که به استناد تبصره ماده اخیر، همه آن ها حسب مورد از مصادیق بی احتیاطی یا بی مبالاتی محسوب می شود.

^۱ - بند الف ماده ۱۸ ق.م.ا

^۲ - بند پ ماده ۳۸ ق.م.ا

^۳ - مادتهای ۴۰ و ۴۶ ق.م.ا

فصل دوم (حقوق جزای عمومی ۲)

شامل:

مجرم (فاعل، شریک و معاون)

شرایط مسئولیت کیفری

موانع مسئولیت کیفری

مبحث اول: مجرم

مرتکب جرم با عناوین فاعل، شریک و معاون شناخته می شود.

گفتار اول: فاعل

⊖ فاعل یا کننده به کسی اطلاق می شود که فعل از او سر زده است.

⊖ در جواب این سؤال که آیا فقط اشخاص حقیقی مرتکب جرم می شوند یا اشخاص حقوقی نیز می توانند مرتکب جرم شده و پاسخگو باشند یا نه؟ مقنن در ماده ۱۴۳ ق.م.ا اصل را بر مسئولیت کیفری شخص حقیقی نهاده و مسئولیت کیفری شخص حقوقی استثنایی است که باید واجد شرایط مقرر در ماده اخیر باشد. یعنی اینکه «شخص حقوقی در صورتی مسئولیت کیفری دارد که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود».

⊖ مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع از مسئولیت اشخاص حقیقی نیست. (همان)

⊖ در اصطلاح فقهی و حتی در برخی موارد قانونی، به فاعل جرم، مباشر نیز گفته می شود. مطابق با ماده ۴۹۴ ق.م.ا «مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود».

⊖ قانونگذار در قانون مجازات اسلامی جدید، فصل خاصی را برای مجازات اشخاص حقوقی پیش بینی نکرده اما در مواد ۲۰ الی ۲۲، مجازات های خاصی را برای اشخاص حقوقی در نظر گرفته است.

* فاعل جرم به فاعل مادی و فاعل معنوی تقسیم می شود:

۱- **فاعل مادی:** کسی است که عناصر تشکیل دهنده جرم در وی جمع باشد و فعلی مغایر با او مرونواهی فاعل جرم

۲- **فاعل معنوی:** کسی است که جرم را توسط دیگری انجام دهد. البته «دیگری»، باید فاقد شرایط مسئولیت باشد تا بتوان مسئولیت را متوجه فاعل معنوی کرد. مقنن ۲ روش را برای مسئولیت فاعل معنوی در نظر گرفته است:

الف) زمانی که مجازات فاعل معنوی تشدید می شود: مانند ماده ۱۲۸ ق.م.ا که مقرر می دارد «هرکس از افراد نابالغ بعنوان وسیله جرم مستند به خود استفاده نماید به حداکثر مجازات قانونی همان جرم محکوم می گردد».

ب) در برخی موارد تفاوتی میان فاعل مادی و معنوی قائل نشده است و به یک میزان مجازات محکوم می گردند: مانند ماده ۶۲۱ ق.م.ا از کتاب تعزیرات که مقرر می دارد «هرکس شخصا یا توسط دیگری شخصی را برباید» که ارتکاب این جرم توسط دیگری، همان فاعل معنوی است و در مجازات فرقی نمی کند که شخصاً برباید یا توسط دیگری.

گفتار دوم: شرکت در جرم^۱

- ⊖ شرکت در جرم، عبارت است از همکاری دو یا چند نفر در اجرای جرمی خاص.
- ⊖ لازمه شرکت در جرم، مداخله همه شرکاء در اجرای عنصر مادی جرم است. هرچند میزان مداخله آنها مهم نیست.
- ⊖ آن چیزی که مبنای شرکت در جرم را تشکیل می دهد، مستند بودن جرم به عمل همه شرکاست. یعنی فعل هریک جزعی از علت وقوع جرم باشد.
- ⊖ شرکت در جرایم عمدی و غیر عمدی قابل تصور است.
- ⊖ شرکت در جرم هم بصورت فعل و هم بصورت ترک فعل قابل تحقق است.
- ⊖ مجازات شرکای در جرم، مجازات فاعل مستقل است. (اعم از اینکه جرم عمدی یا غیر عمدی باشد)
- ⊖ برای تحقق شرکت در جرم تبانی شرط نیست.
- ⊖ میزان مداخله شرکا شرط نیست اما مداخله ضعیف به موجب بند ج م ۳۸ ق.م.ا از جهات تخفیف مجازات تلقی می گردد.

گفتار سوم: معاونت در جرم^۲

- ⊖ معاونت در جرم بدون دخالت در عنصر مادی، با فاعل جرم در ارتکاب عمل مجرمانه همکاری می کند.
- ⊖ نوع همکاری معاون جرم، (مصادیق معاونت) در ماده ۱۲۶ ق.م.ا احصا شده و موارد آن حصری است. (ترغیب کردن، تحریک کردن، تطمیع کردن و سایر مصادیق مندرج در ماده)

* شرایط تحقق معاونت :

- ۱- جرم بودن عمل فاعل از شرایط تحقق معاونت در جرم است. اگر عمل فاعل جرم نباشد، معاون قابل مجازات نیست. مثلاً خودکشی در قوانین جزایی ما جرم محسوب نمی شود، بنابراین معاونت در خودکشی هم جرم نیست.^۳

^۱ - ماده ۱۲۵ ق.م.ا

^۲ - مواد ۱۲۶ الی ۱۲۹ ق.م.ا

^۳ - البته در یک مورد معاونت در خودکشی جرم انگاری شده و آن بند «ب» ماده ۱۵ قانون جرایم رایانه است که معاونت در خودکشی از طریق رسانه های رایانه ای یا مخابراتی یا حامل های داده، جرم محسوب می گردد.

۲- **معاونت در جرم تنها بصورت فعل واقع می شود** (برخلاف شرکت). ترک فعل یا خود داری از انجام عمل، عنصر مادی معاونت در جرم را تشکیل نمی دهد. البته معاونت از طریق فعل در جرایمی که عنصر مادی آنها بصورت ترک فعل است، محقق می گردد. مانند مادری که فرزند خود را تحریک می کند (فعل) تا نفقه همسر خود را پرداخت ننماید (ترک فعل).^۱

۳- **مباشر باید عمل مجرمانه را انجام داده یا شروع به اجرای آن کرده باشد**، تا مسئولیت متوجه معاون گردد. عمل معاون به صرف انجام مصادیق معاونت بدون اینکه مباشر دست به ارتکاب جرم بزند، جرم محسوب نمی گردد و قابل مجازات نیست مگر اینکه انجام مصادیق معاونت خود جرم مستقلی باشد. فرض کنید، مادری مقداری سم به پسر خود می دهد تا آن را داخل چایی به پدر خود بخوراند؛ پسر از انجام این کار سر باز می زند در اینجا هیچ مسئولیتی متوجه مادر نیست اما اگر بجای سم، اسلحه ای را تحویل پسر خود دهد، چون همین مقدار از عمل مادر خود واجد عنوان مجرمانه است، در فرض که پسر از کشتن پدر سر باز زند، مادر به خاطر تهیه اسلحه قابل مجازات خواهد بود.

۴- **عمل معاون باید در وقوع جرم مؤثر باشد**. یعنی بین عمل معاون و فاعل جرم رابطه علیت وجود داشته باشد. مثلاً اگر چاقویی را برای کشتن دیگری به فاعل تحویل دهد اما فاعل، مجنی علیه را با اسلحه به قتل برساند، معاون به دلیل عدم تأثیر عمل او (دادن چاقو) در ارتکاب جرم قابل مجازات نخواهد بود.

۵- **باید بین عمل معاون و فاعل تقدم یا اقتران زمانی وجود داشته باشد**. نوع همکاری معاون با فاعل باید قبل از وقوع جرم یا همزمان با جرم باشد. برای مثال اگر شخصی وعده پرداخت پولی را در ازای کشتن دیگری به فاعل دهد، حتی اگر بعد از انجام قتل به وعده خود عمل نکند، باز هم معاون در قتل است. اما اگر شخصی به رسم انعام، پولی را به قاتل مجنی علیه برای قدردانی و تشکر بدهد، چون پرداخت پول بعد از ارتکاب جرم است، معاونت در جرم تلقی نمی شود.^۲

۶- **باید بین معاون و فاعل جرم وحدت قصد وجود داشته باشد**. مثلاً اگر فاعل می خواهد سرقت کند، معاون هم به همین قصد او را یاری نماید. اگر معاون کلیدی را به قصد سرقت به فاعل بدهد اما فاعل صاحب خانه را بکشد در این جا عمل معاونت (دادن کلید) به دلیل خروج فاعل حدود وحدت قصد، معاونت در قتل نیست. از طرف دیگر حتی اگر فاعل جرم، جرم را با کیفیت مشدده انجام دهد، مثلاً وحدت قصد برسرقت ساده باشد اما فاعل سرقت مشدده انجام دهد، معاون به مجازات در جرم خفیف تر محکوم می گردد.^۳

^۱ - در یک مورد معاونت از طریق ترک فعل قابل تحقق است و آن ماده ۱ قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر است که به موجب آن « اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوائر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون جرم محسوب خواهد شد »؛ این موضوع همچنین با لزوم تقدم یا اقتران زمانی بین فاعل و معاون در تعارض است.

^۲ - تبصره ماده ۱۲۶ ق.م.ا.

^۳ - همان

- Ⓒ لزوم وحدت قصد به معنی لزوم تبانی نیست. بنابراین در معاونت هم، همانند شرکت در جرم، تبانی شرط نیست.
- Ⓒ از لزوم وجود وحدت قصد می توان دریافت، معاونت در جرایم غیر عمدی محقق نمی گردد.

* مجازات معاون جرم:

مقنن در ماده ۱۲۷ ق.م.ا، مجازات معاون را بسته به نوع و میزان مجازات فاعل تعیین کرده است. اما اعمال ماده ۱۲۷ منوط به تعیین نشدن مجازات خاص در قانون یا شرع برای معاون شده است.

بند اول: وجود مجازات خاص در شرع یا قانون

۱- وجود مجازات خاص شرع:

در شرع برای معاونت در قتل دو مجازات پیش بینی شده است. برای ممسک، یعنی کسی که شخصی را نگه می دارد تا دیگری او را بکشد، حبس ابد در نظر گرفته شده و برای دیده بان در قتل، مجازات کور کردن تعیین شده است.

۲- وجود مجازات خاص در قانون:

در پاره ای موارد، مقنن مجازات خاصی را برای معاونت در جرم در قانون پیش بینی کرده است. مانند ماده ۵۸۴ ق.م.ا که مقرر می دارد «کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم توقیف غیر قانونی مکانی تهیه کرده و بدین وسیله معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات محکوم می گردد».

بند دوم: عدم وجود مجازات خاص در شرع یا قانون

اگر در قانون یا شرع مجازات خاص برای معاون پیش بینی نشده باشد، طبق ماده ۱۲۷ ق.م.ا عمل می گردد:

۱- در جرایم تعزیری :

الف) اگر مجازات جرم ارتكابی سالب حیات یا حبس دائم باشد معاون به حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳ محکوم خواهد شد.

ب) در سایر جرایم موجب تعزیر یک تا ۲ درجه پایین تر از جرم ارتكابی خواهد بود. البته مطابق با تبصره ۱ همان ماده، مجازات معاون از نوع مجازات قانونی جرم ارتكابی است. مثلاً اگر مجازات فاعل حبس باشد، مجازات معاون هم باید حبس باشد. در مورد جزای نقدی و شلاق هم به همین شکل است. اما اگر مجازات قانونی جرم ارتكابی، مصادره اموال، انفصال دایم و یا انتشار حکم محکومیت باشد، مجازات معاون به ترتیب جزای نقدی درجه ۴، ۶ و ۷ خواهد بود.

Ⓒ ماده ۷۲۶ ق.م.ا از کتاب تعزیرات با ماده ۷۲۸ ق.م.ا نسخ شده است

۲- در مورد سایر جرایم :

- الف) در جرایم سلب حیات و حبس دائم ← مجازات معاون ← حبس تعزیری درجه ۲ یا ۳
- ب) در جرایم سرقت حدی و قطع عمدی عضو ← مجازات معاون ← حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶
- پ) در جرایم شلاق حدی ← مجازات معاون ← ۳۱ تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیری

نکته: اگر قصاص نفس یا عضو اجرا نشود، مجازات معاون، ۱ تا ۲ درجه از مجازات تعزیری مقرر پایین تر خواهد بود. مثلاً در فرض عدم اجرای قصاص مطابق با ماده ۶۱۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات، ۳ تا ۱۰ سال حبس برای مرتکب پیش بینی شده است که در این حالت مجازات معاون را باید بر اساس همین میزان مشخص کرد (۱۰ سال حبس تعزیری درجه ۴ است، در این حالت مجازات معاون حبس تعزیری درجه ۵ یا ۶ خواهد بود).^۱

نکته: هر کس در رفتار مجرمانه شخص نابالغ معاونت نماید، به حداکثر مجازات معاونت در آن جرم محکوم خواهد شد.^۲

* سردستگی

☉ سردستگی چه بصورت معاونت باشد چه بصورت شرکت، از کیفیات شخصی تشدید مجازات است.

☉ هر کس سردستگی گروه مجرمانه را بر عهده بگیرد، در این صورت مجازات وی حداکثر:

۱- شدیدترین مجازات جرم ارتكابی توسط اعضاء گروه خواهد بود، در صورتی که جرم ارتكابی آنها غیر از حد، قصاص یا دیه باشد.

۲- شدیدترین مجازات معاونت در آن جرم خواهد بود، اگر جرم ارتكابی اعضاء گروه از نوع حد، قصاص یا دیه باشد.

۳- اگر عنوان محاربه یا فساد فی الارض به سر دسته گروه صدق کند، فقط به مجازات محاربه یا فساد فی الارض محکوم می گردد.

☉ گروه مجرمانه، گروهی نسبتاً منسجم متشکل از ۳ نفر یا بیشتر است که برای ارتكاب جرم تشکیل شده یا پس از تشکیل، هدف آن ها برای ارتكاب جرم منحرف شده است.^۳

☉ سردستگی عبارت است از تشکیل، طراحی یا سازماندهی یا اداره گروه مجرمانه.^۴

^۱- این مورد در تبصره ۲ ماده ۱۲۷ ق.م.ا پیش بینی شده است که باید آن را ناسخ تبصره ی ماده ۶۱۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات بدانیم.

^۲- ماده ۱۲۸ ق.م.ا

^۳- تبصره ۱ ماده ۱۳۰

^۴- تبصره ۲ همان

مبحث دوم: مسئولیت کیفری

☞ هر فردی که مرتکب جرم شده باشد قابل مجازات نیست بلکه مجرم مسئول قابل مجازات می باشد. بنابراین مرتکب باید مسئولیت کیفری داشته باشد تا قابل مجازات باشد.

☞ «مسئولیت کیفری شخصی است». این مطلب بیان گر اصل شخصی بودن جرایم و مجازات هاست. به عبارت دیگر مجازات فقط در حق مرتکب اعمال خواهد شد.^۱

☞ مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر زمانی قابل تحقق است که:^۲

الف) شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد (یا)

ب) در رابطه با نتیجه رفتار دیگری مرتکب تقصیر شده باشد.

نکته: در مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر باید **نقض مقررات عمدی نباشد**. چون در این حالت مسئولیت متوجه خود مرتکب می گردد.

☞ اصل بر مسئولیت کیفری شخص حقیقی است و شخص حقوقی زمانی مسئولیت کیفری دارد که:^۳

الف) نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا

ب) در راستای منافع شخص حقوقی مرتکب جرم شود.

نکته: مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.^۴

گفتار اول: شرایط مسئولیت کیفری

☞ قانونگذار شرایطی را برای مسئولیت کیفری در فصل اول بخش چهارم از کتاب تعزیرات، پیش بینی کرده است.

شرایط مسئولیت کیفری^۵ {
۱- عقل
۲- بلوغ
۳- اختیار

۴- قصد (قصد مجرمانه برای تحقق جرایم عمدی است - ماده ۱۴۴ ق.م.ا -)

^۱ - ماده ۱۴۱ ق.م.ا

^۲ - ماده ۱۴۲ ق.م.ا

^۳ - ماده ۱۴۳ ق.م.ا

^۴ - همان

^۵ - ماده ۱۴۰ ق.م.ا

گفتار دوم: موانع مسئولیت کیفری

- ⊖ علل رافع مسئولیت کیفری، کیفیاتی هستند شخصی و درونی (برخلاف عوامل موجهه که کیفیاتی عینی و خارجی هستند)
- ⊖ اثر علل رافع مسئولیت کیفری زایل کردن مجازات است ولی همچنان عمل، جرم می باشد. (در عوامل موجهه عنصر قانونی زایل می شود و عمل جرم نیست)
- ⊖ علل رافع مسئولیت کیفری باعث مبری شدن مرتکب از مسئولیت کیفری است ولی مسئولیت مدنی به قوت خود پا برجاست. (در عوامل موجهه هم مسئولیت کیفری زایل می شود و هم مسئولیت مدنی - البته استثنائاتی هم وجود دارد)
- ⊖ علل رافع مسئولیت کیفری به دلیل ویژگی شخصی و درونی بودن آن فقط در حق مرتکبی که از علل رافع برخوردار است، تأثیر دارد و شامل حال شرکاء و معاونان نخواهد شد.

علل رافع مسئولیت کیفری

- ۱- علل تام: عدم بلوغ، جنون، اجبار
- ۲- علل نسبی: اشتباه، خواب، مستی

بند اول: علل تام

۱- عدم بلوغ

- ⊖ در حقوق ایران مسئولیت کیفری از سن معینی شروع می شود.
- ⊖ افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند.^۱
- ⊖ سن بلوغ در پسران ۱۵ سال تمام قمری و در دختران ۹ سال تمام قمری است.^۲
- ⊖ با اینکه افراد نابالغ مسئولیت کیفری ندارند اما مطابق با ماده ۱۴۸ ق.م.ا «در مورد افراد نابالغ، بر اساس مقررات این قانون اقدامات تأمینی و تربیتی اعمال می شود».

*** مجازات ها و اقدامات تأمینی و تربیتی در مورد اطفال و نوجوانان در ماده ۸۸ ق.م.ا پیش بینی شده است و عبارت می شوند از :**

الف- تسلیم به والدین یا اولیاء یا سرپرست قانونی با أخذ تعهد به تأدیب و تربیت و مواظبت در حسن اخلاق طفل یا نوجوان تبصره- هرگاه دادگاه مصلحت بداند می تواند حسب مورد از اشخاص مذکور در این بند تعهد به انجام اموری از قبیل موارد

^۱ - ماده ۱۴۶ ق.م.ا

^۲ - ماده ۱۴۷ ق.م.ا

ذیل و اعلام نتیجه به دادگاه در مهلت مقرر را نیز اخذ نماید:

- ۱ - معرفی طفل یا نوجوان به مددکار اجتماعی یا روانشناس و دیگر متخصصان و همکاری با آنان
- ۲ - فرستادن طفل یا نوجوان به یک مؤسسه آموزشی و فرهنگی به منظور تحصیل یا حرفه‌آموزی
- ۳ - اقدام لازم جهت درمان یا ترک اعتیاد طفل یا نوجوان تحت نظر پزشک
- ۴ - جلوگیری از معاشرت و ارتباط مضر طفل یا نوجوان با اشخاص به تشخیص دادگاه
- ۵ - جلوگیری از رفت و آمد طفل یا نوجوان به محلهای معین

ب- تسلیم به اشخاص حقیقی یا حقوقی دیگری که دادگاه به مصلحت طفل یا نوجوان بداند با الزام به انجام دستورهای مذکور در بند (الف) در صورت عدم صلاحیت والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان و یا عدم دسترسی به آنها با رعایت مقررات ماده (۱۱۷۳) قانون مدنی

تبصره - تسلیم طفل به اشخاص واجد صلاحیت منوط به قبول آنان است.

پ- نصیحت به وسیله قاضی دادگاه

ت- اخطار و تذکر و یا اخذ تعهد کتبی به عدم تکرار جرم

ث- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال در مورد جرائم تعزیری درجه یک تا پنج

*** اعمال این اقدامات بسته به نوع جرم ارتكابی و بسته به سن اطفال متفاوت است:**

الف) در صورت ارتكاب جرم تعزیری:

۱- اگر سن آن ها بین ۹ تا ۱۱ سال شمسی باشد به یکی از اقدامات مقرر در بندهای «الف» تا «پ»

۲- اگر سن آن ها بین ۱۲ تا ۱۵ سال تمام شمسی باشد ۲ فرض پیش بینی شده است :

فرض اول: اگر جرم تعزیری درجه ۱ تا ۵ باشد ← به اقدام مقرر در بند «ث» محکوم خواهند شد.

فرض دوم: اگر جرم تعزیری درجه ۶ تا ۸ باشد ← به یکی از اقدامات مقرر در بندهای «الف» الی «ث» محکوم خواهند شد.

نکته: دادگاه فقط یکی از اقدامات مقرر در ماده را می تواند اعمال نماید.

ب) اگر جرم ارتكابی حدی یا قصاص گردد:

۱- اگر سن مرتكب بین ۹ تا ۱۱ سال تمام قمری باشد ← به یکی از اقدامات مندرج در بندهای «الف» تا «پ» محکوم می گردد.

۲- اگر سن مرتکب بین ۱۲ تا ۱۵ سال تمام قمری باشد ← به یکی از اقدامات مندرج در بندهای «ت» یا «ث» محکوم می گردد.

Ⓒ اعمال اقدامات مقرر در بندهای «الف» الی «ث»، فقط در مورد جرایم عمدی است. در مورد جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا هر ضمان مالی دیگری است، دادگاه اطفال و نوجوانان مطابق مقررات مربوط به پرداخت دیه و خسارت حکم می کند. همچنین در خصوص مسئولیت مدنی صغیر، هیئت عمومی دیوان عالی کشور به موجب رأی وحدت رویه شماره ۲ مورخ ۶۰، در مورد ضرر و زیان ناشی از جرم در دادگاه جزا، مقرر می دارد که به عهده شخص متهم صغیر است و محکوم به مالی، از اموال خود او استیفاء خواهد شد و ولی او به عدم علت اهلیت صغیر، نماینده قانونی وی می باشد. دادخواست باید به طرفیت ولی او تقدیم شود.^۱

*** مقنن در مورد اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سال شمسی نیز در صورت ارتکاب جرم تعزیری قائل به اعمال مجازات های خاصی می باشد که این مجازات ها در ماده ۸۹ ق.م.ا، پیش بینی شده است:**

الف- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از دو تا پنج سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه یک تا سه است.

ب- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از یک تا سه سال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه چهار است.

پ- نگهداری در کانون اصلاح و تربیت از سه ماه تا یک سال یا پرداخت جزای نقدی از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا چهل میلیون (۴۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام یکصد و هشتاد تا هفتصد و بیست ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه پنج است.

ت- پرداخت جزای نقدی از یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال یا انجام شصت تا یکصد و هشتاد ساعت خدمات عمومی رایگان در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه شش است.

ث- پرداخت جزای نقدی تا یک میلیون (۱,۰۰۰,۰۰۰) ریال در مورد جرائمی که مجازات قانونی آنها تعزیر درجه هفت و هشت است.

تبصره ۱- ساعات ارائه خدمات عمومی، بیش از چهار ساعت در روز نیست.

تبصره ۲- دادگاه می تواند با توجه به وضع متهم و جرم ارتكابی، به جای صدور حکم به مجازات نگهداری یا جزای نقدی

موضوع بندهای (الف) تا (پ) این ماده، به اقامت در منزل در ساعاتی که دادگاه معین میکند یا به نگهداری در

کانون اصلاح و تربیت در دو روز آخر هفته حسب مورد برای سه ماه تا پنج سال حکم دهد.

^۱ - مطابق با ماده ۱۱۸۳ و ۱۲۱۶ قانون مدنی

Ⓒ اشخاص ۱۵ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب **جرم حدی یا قصاص**، اگر حرمت جرم ارتكابی یا ماهیت آن را درک نکنند یا در رشد و کمال عقلی آنان شبه وجود داشته باشد، حسب مورد به مجازات های مقرر در ماده ۸۹ محکوم خواهند شد.^۱

۱- حرمت جرم ارتكابی یا ماهیت آن را درک نکنند (یا) ۲- در رشد و کمال عقلی آنان شبه وجود داشته باشد	}	در مورد اشخاص بیش از ۱۵ تا ۱۸ سال در صورت ارتکاب جرم مستوجب قصاص یا حد، اصل بر این است که مجازات این جرایم اعمال می گردد مگر
--	---	--

Ⓒ دادگاه برای تشخیص رشد و کمال عقل می تواند نظر پزشکی قانونی را استعلام یا از هر طریق دیگری که مقتضی بداند، استفاده کند.^۲

* بازنگری در مورد احکام صادره در خصوص اطفال و نوجوانان :

۱- در مورد اطفال (۹ تا ۱۵ ساله):

مطابق با تبصره ۳ ماده ۸۸ ق.م.ا «تصمیمات مورد اشاره در بندهای «الف» و «ب» این ماده، دادگاه اطفال و نوجوانان می تواند با توجه به تحقیقات به عمل آمده و همچنین گزارش های مددکاران اجتماعی از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او، هر چند بار که مصلحت طفل یا نوجوان اقتضاء کند، در تصمیم خود تجدید نظر کند».

۲- در مورد نوجوانان (بیش از ۱۵ تا ۱۸ ساله)

مطابق با ماده ۹۰ ق.م.ا «دادگاه می تواند با توجه به گزارش های رسیده از وضع طفل یا نوجوان و رفتار او در کانون اصلاح و تربیت یک بار در رأی خود تجدید نظر کند و مدت نگهداری را تا یک سوم تقلیل دهد یا نگهداری را به تسلیم طفل یا نوجوان به ولی یا سرپرست قانونی او تبدیل کند. تصمیم دادگاه مبنی بر تجدید نظر در صورتی اتخاذ می شود که طفل یا نوجوان حداقل یک پنجم از مدت نگهداری در کانون اصلاح و تربیت را گذرانده باشد. رأی دادگاه در این مورد قطعی است. این امر مانع از استفاده از آزادی مشروط و سایر تخفیفات قانونی با تحقق شرایط آن ها نیست .

۲- جنون

هرگاه مرتکب در زمان ارتکاب جرم، دچار اختلال روانی بوده به نحوی که فاقد اراده یا قوه تمیز باشد، مجنون محسوب می شود و مسئولیت کیفری ندارد.^۳

^۱ - ماده ۹۱ ق.م.ا

^۲ - تبصره ماده ۹۱ ق.م.ا

^۳ - ماده ۱۴۹ ق.م.ا

- Ⓒ با توجه به تصریح ماده ۱۴۹، اختلالات روانی باید در حین ارتکاب جرم موجود باشد تا مانعی برای مسئولیت کیفری تلقی گردد. به عبارت دیگر، اختلالات روانی، عقل را که یکی از شرایط مسئولیت کیفری است (ماده ۱۴۰) زایل می کند.
- Ⓒ اگر مرتکب در حین ارتکاب جرم مجنون باشد، مطابق با ماده ۹۵ ق.آ.د.ک، قرار موقوفی تعقیب صادر می گردد اما اگر مجنون با جلب نظر متخصص واجد حالت خطرناک تشخیص داده شود و آزاد بودن وی نیز موجب اخلاف در نظم و امنیت عمومی باشد به تشخیص دادستان تا رفع حالت خطرناک در محل مناسب نگهداری می گردد.^۱
- Ⓒ مطابق با بند «ب» ماده ۲۹۲ ق.م.ا، جنایت ارتكابی توسط مجنون، خطای محض محسوب می گردد. همچنین مطابق ماده ۳۰۵ ق.م.ا، «مرتکب جنایت عمدی نسبت به مجنون، علاوه بر پرداخت دیه، به تعزیر مقرر در کتاب پنجم نیز محکوم می گردد».
- Ⓒ هر گاه مجنون مالی را تلف کند مطابق با ماده ۱۲۱۶ ق.م.ا، از مال خود مجنون جبران می گردد.
- Ⓒ جنون در حین ارتکاب جرم، مانع مسئولیت کیفری است اما برای جنون ۲ فرض زمانی دیگر نیز قابل تصور است:

۱- جنون بعد از ارتکاب جرم و قبل از صدور حکم:

الف) اگر جرم تعزیری باشد: مطابق با ماده ۱۵۰ ق.م.ا، در محل مناسب نگهداری می گردد و مطابق با تبصره ماده ۶ ق.آ.د.ک، تعقیب چنین مرتکبی تا زمان افاقه متوقف می گردد.

ب) اگر جرم حدی باشد^۲

۱- حق اللّهی باشد: تعقیب و محاکمه تا زمان افاقه به تأخیر می افتد.

۲- حق الناسی باشد: مانع تعقیب و رسیدگی نیست.

پ) اگر جرم مستوجب قصاص یا دیه باشد: مانع تعقیب و رسیدگی نیست.^۳

۲- جنون بعد از صدور حکم قطعی باشد:

الف) اگر جرم تعزیری باشد: جنون بعد از صدور حکم و فرار محکوم علیه در حین اجرای حکم، موجب سقوط مجازات تعزیری نیست.^۴

^۱- ماده ۱۵۰ ق.م.ا

^۲- تبصره ۱ ماده ۱۵۰

^۳- همان

^۴- ماده ۲۹۱ ق.آ.د.ک

ب) اگر جرم حدی باشد: مطابق با تبصره ۱ ماده ۱۵۰؛ حد ساقط نمی گردد.

پ) قصاص و دیه: چون جنون پس از وقوع جرم و قبل از صدور حکم قطعی مانع تعقیب و رسیدگی نیست، بعد از صدور حکم نیز به طریق اولی مانع رسیدگی نخواهد بود.

۳- اجبار و اکراه:

☉ مطابق با ماده ۱۴۰ ق.م.ا، مختار بودن از شرایط مسئولیت کیفری است. بنابراین عواملی که باعث زوال اختیار می شود مانع مسئولیت کیفری است. بنابراین اجبار و اکراه، از موانع مسئولیت کیفری است.

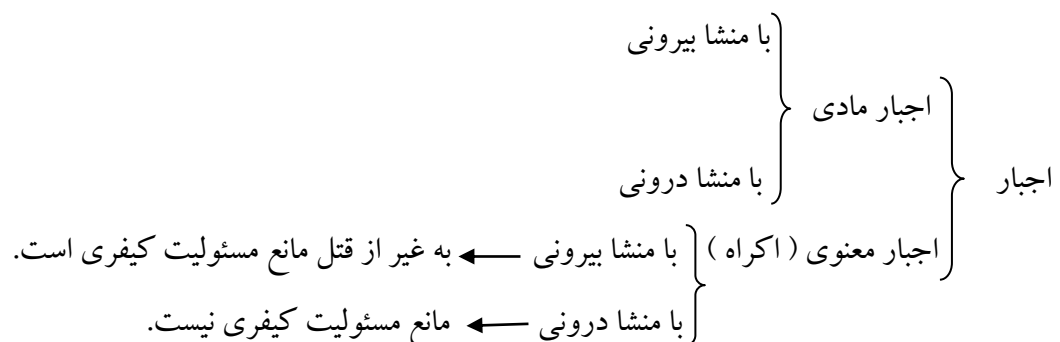
☉ ماده ۱۵۱ ق.م.ا، در رابطه با اکراه چنین مقرر می دارد «هرگاه کسی در اثر اکراه غیر قابل تحمل، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود مجازات نمی گردد. در جرایم موجب تعزیر، اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم می شود. در جرایم موجب حد و قصاص طبق مقررات مربوط عمل خواهد شد».

☉ علی رغم این که مقنن در ماده ۱۵۱، فقط به اکراه اشاره کرده است، اجبار نیز در صورت زوال اراده و اختیار مانع مسئولیت کیفری خواهد بود.

☉ اکراه، وادار کردن به عمل یا ترک عملی که شخص از آن کراهت دارد. (رضایت وجود ندارد)

☉ اجبار، وادار کردن کسی به عمل یا ترک عملی بدون اختیار وی. (رضا و قصد وجود ندارد)

☉ اجبار، جسم مرتکب را تحت تأثیر قرار می دهد ولی اکراه، روان مرتکب را.



۱- اجبار مادی با منشاء بیرونی: نیروی ناشی از طبیعت یا از ناحیه فرد یا که بر جسم مرتکب جرم وارد شده و او را وادار می کند تا کاری انجام دهد که نباید انجام دهد یا مانع از انجام کاری شود که باید انجام دهد. فشار دادن انگشت شخص بر روی ماشه اسلحه، یا کارمندی که بازداشت شده و نتواند در محل کار آماده شود.

۲- اجبار مادی با منشاء دورنی: تأثیر عوامل درونی و جسمانی به اندازه ای می باشد که آزادی اراده و اختیار شخص

را از بین می برد. چنین عواملی موجب عدم مسئولیت کیفری مرتکب جرم می گردد. مانند خوابیدن نظامی در محل مأموریت. فرق این فرض با ماده ۱۵۳ این است که در این جا مقصود، ارتکاب جرم در عالم خواب نیست، بلکه تأثیر خواب در ایفای تکالیف مقرر قانونی است که مانع از آن است.

۳- اجبار معنوی (اکراه) با منشاء بیرونی: وادار کردن دیگری به ارتکاب جرم با تهدید یا تخویف یا تحریک شدید یا در غیر موارد قتل، مانع مسئولیت کیفری است.

۴- اجبار معنوی با منشاء درونی: ارتکاب جرم در اثر میل شدید به انتقام جویی، تعصبات خاص خانوادگی، مذهبی هیجانات عشقی و که هیچ کدام از آن ها مانع مسئولیت کیفری نیست.

* مجازات اکراه کننده :

۱- در جرایم موجب تعزیر: اکراه شونده از مجازات معاف و اکراه کننده به مجازات فاعل جرم محکوم خواهد شد.^۱

۲- در جرایم موجب حد:

☉ در مورد زنا — اکراه یا اجبار کننده اعدام می شود (بند ت ماده ۲۲۴ ق.م.ا.)

☉ در مورد لواط — اکراه یا اجبار کننده اعدام می شود (ماده ۲۳۴ ق.م.ا.)

☉ همچنین به موجب ماده ۲۱۸ ق.م.ا، «در جرایم موجب حد، هرگاه متهم ادعای فقدان علم یا قصد یا وجود یکی از موانع مسئولیت کیفری را در زمان ارتکاب جرم نماید، در صورتی که احتمال صدق گفتار وی داده شود و اگر ادعا کند که اقرار او با تهدید، ارعاب یا شکنجه گرفته شده است، ادعای مذکور بدون نیاز به بینه و سوگند پذیرفته می شود».

۳- در جرایم موجب قصاص :

فرض اول : اکراه شونده جنایتی را بر روی دیگری انجام داده است .

الف) اکراه در جنایت بر نفس — اکراه در قتل مجوز قتل نیست و مرتکب قصاص و اکراه کننده به حبس ابد محکوم می گردد.^۲

نکته: اگر اکراه کننده به هر علت به حبس ابد محکوم نشود، به مجازات معاون در قتل محکوم می شود.^۳

ب) اکراه در جنایت بر عضو — در این فرض مقنن قائل بر اجرای قصاص بر شخص اکراه کننده است.^۴

^۱ - ماده ۱۵۱ ق.م.ا.

^۲ - ماده ۳۷۵ ق.م.ا.

^۳ - ماده ۳۷۶ ق.م.ا.

^۴ - ماده ۳۷۷ ق.م.ا.

فرض دوم: اکراه شونده جنایتی را بر روی خودش انجام داده است.

مطابق با ماده ۳۷۹ ق.م.ا «هرگاه کسی دیگری را به رفتاری اکراه کند که موجب جنایت بر اکراه شونده گردد جنایت عمدی است و اکراه کننده قصاص می شود مگر اکراه کننده قصد جنایت بر او را نداشته باشد و آگاهی و توجه به اینکه این اکراه نوعاً موجب جنایت بر او می شود، نیز نداشته باشد که در این صورت جنایت شبهه عمدی است و اکراه کننده به پرداخت دیه محکوم می گردد».

بند دوم: علل نسبی رافع مسئولیت

۱- اشتباه:

عبارت است از تصویری خلاف واقع داشتن از امری اعم از موضوعی یا حکمی

الف) اشتباه یا همان جهل حکمی: مطابق با ماده ۱۵۵ ق.م.ا «جهل به حکم مانع از مجازات مرتکب نیست»، بنابراین اصل بر این است که جهل به حکم، مانع مسئولیت کیفری نمی باشد اما استثنائاً می تواند از مرتکب سلب مسئولیت نماید.

۱- تحصیل علم عادتاً برای وی ممکن نباشد. یا ۲- جهل به حکم شرعاً عذر محسوب گردد.	}	استثنائات پذیرش جهل به حکم از سوی مرتکب
--	---	---

نکته: جهل به نوع یا میزان مجازات، مانع از مجازات مرتکب نیست.^۱

نکته: در جرایم حدی، علم به حرمت شرعی، (علم به حکم) از شرایط تحقق مسئولیت است و در صورت عدم آن، مسئولیت متوجه مرتکب نخواهد بود.^۲

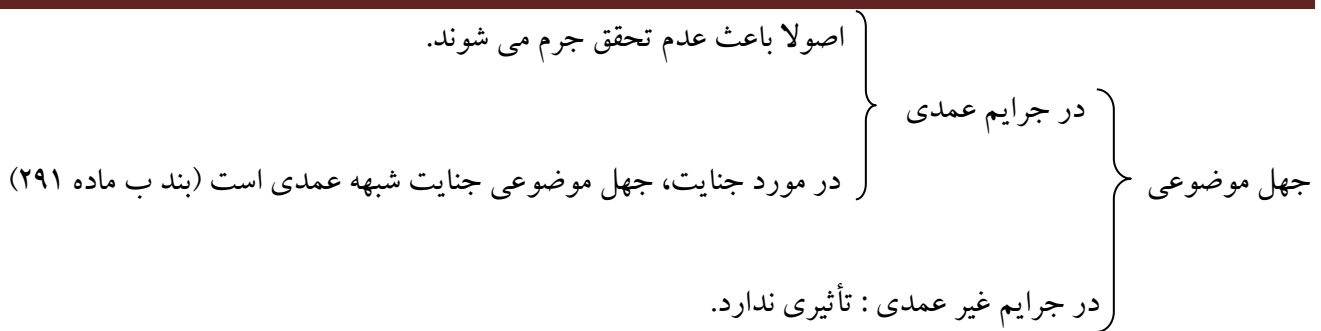
ب) اشتباه موضوعی:

⊖ موضوع جرم آن چیزی است که جرم بر روی آن واقع می شود.

⊖ اشتباه موضوعی در جرایم عمدی اصولاً باعث عدم تحقق عنصر معنوی است. اما شبهه موضوعی در جرایم غیرعمدی بی تأثیر است.

۱- تبصره ماده ۱۵۵ ق.م.ا

۲- ماده ۲۱۷ ق.م.ا



* اشتباه قاضی و ضمان آن در ماده ۱۳ ق.م.ا، پیش بینی شده است:

- در صورت عمد قاضی ← مسئولیت کیفری متوجه قاضی است.
- در صورت تقصیر قاضی ← مسئولیت مدنی متوجه قاضی است.
- در غیر فروض فوق ← خسارت متوجه دولت است.

۲- خواب

☞ مطابق با ماده ۱۵۳ ق.م.ا «هرکس در حال خواب، بیهوشی و مانند آنها، مرتکب رفتاری شود که طبق قانون جرم محسوب می شود، مجازات نمی گردد مگر اینکه شخص با علم به اینکه در حال خواب یا بیهوشی مرتکب جرم می شود، عمداً بخوابد یا خود را بیهوش کند».

☞ انسان در حالت خواب فاقد شعور و ادراک است و حرکت او در خواب در اختیار او نیست. ولی اگر این فرد با علم به ارتکاب جرم در حالت خواب، عمداً بخوابد یا خود را بیهوش کند، مسئولیت کیفری خواهد داشت.

☞ جنایت در حال خواب یا بیهوشی خطا محسوب می شود.^۱ اما اگر مرتکب آگاه و متوجه باشد که اقدام او نوعاً موجب جنایت بر دیگری می گردد، جنایت عمدی محسوب می گردد.^۲

۳- مستی

☞ مستی و بی ارادگی حالتی است که در اثر مصرف مسکرات یا استعمال مواد مخدر و یا روان گردان در فرد ایجاد می گردد.

^۱ - بند «الف» ماده ۲۹۲ ق.م.ا

^۲ - تبصره ماده ۲۹۲ ق.م.ا

Ⓒ اصل بر این است که مستی جزء موانع مسئولیت کیفری نیست.^۱

Ⓒ استثنائاتی که در آن مستی از موانع مسئولیت کیفری محسوب می گردد، این است که در اثر استعمال مواد مذکور، در حین ارتکاب جرم، به کلی مسلوب الاراده شده باشد. (در این حالت فقط مجازات مصرف مواد مسکر اعمال خواهد شد)

Ⓒ اگر مصرف مواد مذکور به منظور ارتکاب جرم یا با علم به تحقق آن بوده است و جرم مورد نظر نیز واقع شود، به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد. (هم مجازات مصرف مواد مسکر و هم مجازات جرم ارتكابی اعمال خواهد شد)

^۱ - ماده ۱۵۴ ق.م.ا.

فصل سوم (حقوق جزای عمومی ۳)

شامل:

مجازات ها و انواع آن

مجازات های جایگزین

کیفیات مخففه و مشدده

تعویق صدور حکم

تعلیق صدور حکم

آزادی مشروط

عوامل سقوط مجازات ها

ادله اثبات در امور کیفری

مبحث اول: مجازات‌ها

- در یک تقسیم‌بندی مجازات‌ها به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شوند
- ۱- مجازات‌های اصلی
 - ۲- مجازات‌های تکمیلی (تتمیمی)
 - ۳- مجازات‌های تبعی

گفتار اول: مجازات‌های اصلی

مجازات اصلی، اصلی‌ترین واکنش قانون‌گذار است که آن را برای جرم معینی پیش‌بینی نموده است و مستقیماً مورد حکم قرار می‌گیرد. این مجازات‌ها حتماً باید با ذکر مقدار، نوع و مدت آن در دادنامه قید گردد.

در قانون مجازات اسلامی مجازات‌های **اشخاص حقیقی** از مجازات‌های **اشخاص حقوقی** متمایز شده و در دو مبحث جداگانه بررسی می‌گردد.

۱- مجازات‌های اصلی برای اشخاص حقیقی :

- مجازات‌های اصلی به چهار دسته تقسیم‌بندی می‌شوند
- ۱- حدود
 - ۲- قصاص
 - ۳- دیات
 - ۴- تعزیرات

حد: مجازاتی است که موجب، نوع، میزان و کیفیت اجرای آن در شرع مقدس، تعیین شده است.^۱

قصاص: مجازات اصلی جنایات عمدی بر نفس، اعضاء و منافع است که به شرح مندرج در کتاب سوم این قانون اعمال می‌شود.^۲

دیه: اعم از مقدر و غیرمقدر، مالی است که در شرع مقدس برای ایراد جنایت غیرعمدی بر نفس، اعضاء و منافع و یا جنایت عمدی در مواردی که به هر جهتی قصاص ندارد به موجب قانون مقرر می‌شود.^۳

تعزیر: مجازاتی است که مشمول عنوان حد، قصاص یا دیه نیست و به موجب قانون در موارد ارتکاب محرمات شرعی یا نقض مقررات حکومتی تعیین و اعمال می‌گردد. نوع، مقدار، کیفیت اجراء و مقررات مربوط به تخفیف، تعلیق، سقوط و

^۱ - ماده ۱۵ ق.م.ا

^۲ - ماده ۱۶ ق.م.ا؛ دیه مقدر در ماده ۴۸ و دیه غیر مقدر در ماده ۴۹ ق.م.ا پیش‌بینی شده است.

^۳ - ماده ۱۷ ق.م.ا

سایر احکام تعزیر به موجب قانون تعیین می شود. دادگاه در صدور حکم تعزیری، با رعایت مقررات قانونی، موارد زیر را مورد توجه قرار می دهد:

- الف- انگیزه مرتکب و وضعیت ذهنی و روانی وی حین ارتکاب جرم،
 ب- شیوه ارتکاب جرم، گستره نقض وظیفه و نتایج زیانبار آن،
 پ- اقدامات مرتکب پس از ارتکاب جرم،
 ت- سوابق و وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی مرتکب و تأثیر تعزیر بر وی.^۱

نکته: مقنن در ماده ۱۹ ق.م.ا اقدام به درجه بندی مجازات های تعزیری نموده است که در قوانین ماقبل، سابقه نداشته است. مطابق با این ماده، مجازات های تعزیری به هشت درجه تقسیم بندی می شوند.

مجازات های تعزیری			
درجه ۱	- حبس بیش از بیست و پنج سال - جزای نقدی بیش از یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - مصادره کل اموال - انحلال شخص حقوقی	درجه ۲	- حبس بیش از پانزده تا بیست و پنج سال - جزای نقدی بیش از پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
درجه ۳	- حبس بیش از ده تا پانزده سال - جزای نقدی بیش از سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا پانصد و پنجاه میلیون (۵۵۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - انفصال دائم از خدمات دولتی و عمومی	درجه ۴	- حبس بیش از پنج تا ده سال - جزای نقدی بیش از یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا سیصد و شصت میلیون (۳۶۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال
درجه ۵	- حبس بیش از دو تا پنج سال - جزای نقدی بیش از هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا یکصد و هشتاد میلیون (۱۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از پنج تا پانزده سال - ممنوعیت دائم از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی - ممنوعیت دائم از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی	درجه ۶	- حبس بیش از شش ماه تا دو سال - جزای نقدی بیش از بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا هشتاد میلیون (۸۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - شلاق از ۳۱ تا ۷۴ ضربه و تا ۹۹ ضربه در جرائم منافی عفت - محرومیت از حقوق اجتماعی بیش از شش ماه تا پنج سال - انتشار حکم قطعی در رسانه ها - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی برای اشخاص حقوقی - حداکثر تا مدت پنج سال - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه برای اشخاص حقوقی - حداکثر تا مدت پنج سال - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری توسط اشخاص حقوقی حداکثر تا مدت پنج سال
درجه ۷	- حبس از نود و یک روز تا شش ماه - جزای نقدی بیش از ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - شلاق از یازده تا سی ضربه - محرومیت از حقوق اجتماعی تا شش ماه	درجه ۸	- حبس تا سه ماه - جزای نقدی تا ده میلیون (۱۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال - شلاق تا ده ضربه

^۱ - ماده ۱۸ ق.م.ا

در صورت تعدد مجازات‌ها، مجازات شدیدتر و در صورت عدم امکان تشخیص مجازات شدیدتر، مجازات حبس ملاک است. همچنین اگر مجازاتی با هیچ‌یک از بندهای هشت گانه این ماده مطابقت نداشته باشد مجازات درجه هفت محسوب می‌شود.^۱

ضبط اشیاء و اموالی که در ارتکاب جرم به کار رفته یا مقصود از آن به کارگیری در ارتکاب جرم بوده است از شمول این ماده - ماده ۱۹ - و بند (ب) ماده (۲۰) خارج و در مورد آنها برابر ماده (۲۱۵) این قانون عمل خواهد شد. در هر مورد که حکم به مصادره اموال صادر می‌شود باید هزینه‌های متعارف زندگی محکوم و افراد تحت تکفل او مستثنی شود.^۲

۲- مجازات‌های اصلی برای اشخاص حقوقی :

در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.^۳

در صورتی که شخص حقوقی براساس ماده (۱۴۳) این قانون مسئول شناخته شود، با توجه به شدت جرم ارتكابی و نتایج زیان‌بار آن به یک تا دو مورد از موارد زیر محکوم می‌شود، این امر مانع از مجازات شخص حقیقی نیست:

الف - انحلال شخص حقوقی،

ب - مصادره کل اموال،

پ - ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی یا اجتماعی به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال،

ت - ممنوعیت از دعوت عمومی برای افزایش سرمایه به طور دائم یا حداکثر برای مدت پنج سال،

ث - ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری حداکثر برای مدت پنج سال،

ج - جزای نقدی،

چ - انتشار حکم محکومیت به وسیله رسانه‌ها.^۴

نکته: مجازات موضوع این ماده ، - ماده ۲۰ - در مورد اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در مواردی که اعمال حاکمیت می‌کنند، اعمال نمی‌شود.^۵

^۱ - تبصره ۲ ماده ۱۹ ق.م.ا

^۲ - تبصره ۵ همان

^۳ - ماده ۱۴۳ ق.م.ا

^۴ - ماده ۲۰ ق.م.ا

^۵ - تبصره ۱ همان

نکته: میزان جزای نقدی قابل اعمال بر اشخاص حقوقی **حداقل دو برابر و حداکثر چهار برابر** مبلغی است که در قانون برای ارتکاب همان جرم به وسیله اشخاص حقیقی تعیین می شود.^۱

نکته: انحلال شخص حقوقی و مصادره اموال آن زمانی اعمال می شود که :

- ۱- برای ارتکاب جرم، به وجود آمده یا
- ۲- با انحراف از هدف مشروع نخستین، فعالیت خود را منحصراً در جهت ارتکاب جرم تغییر داده باشد.^۲

گفتار دوم: مجازات تکمیلی

☞ مجازات تکمیلی مجازاتی است که در تکمیل مجازات اصلی مورد حکم قرار می گیرد. (به تنهایی مورد حکم قرار نمی گیرند)

☞ اعمال مجازات های تکمیلی برای دادگاه اختیاری است.^۳

☞ مجازات های تکمیلی باید متناسب با جرم ارتكابی و خصوصیات مجرم باشد.

۱- حدود ۲- قصاص ۳- جرایم تعزیری درجه ۱ تا ۶	}	مجازات های تکمیلی در این جرایم قابل اعمال است
---	---	---

☞ مجازات های تکمیلی فقط در جرایم عمدی قابل اعمال است.^۴

نکته: مدت مجازات های تکمیلی بیش از ۲ سال نیست مگر این که در قانون مدت تعیین شده باشد.^۵

نکته: مجازات تکمیلی نباید همجنس مجازات اصلی باشد. در این صورت فقط مجازات اصلی اجرا خواهد شد.^۱

^۱ - ماده ۲۱ ق.م.ا.

^۲ - ماده ۲۲ ق.م.ا.

^۳ - ماده ۲۳ ق.م.ا.

^۴ - البته استثنائاً در ماده ۷۱۸ از کتاب تعزیرات ق.م.ا، موردی از اعمال مجازات تکمیلی در جرایم غیر عمدی پیش بینی شده است، «محرمیت از رانندگی به مدت ۱ تا ۵ سال».

^۵ - تبصره ۱ ماده ۲۳ ق.م.ا؛ در برخی موارد مقنن اقدام به تعیین مدت خاص برای مجازات های تکمیلی نموده است که در این صورت برابر با همان مورد خاص عمل خواهد شد، رجوع کنید به زیر نویس شماره ۴.

⊖ مجازات تکمیلی و مدت آن حتماً باید در دادنامه قید شود.

- ضمانت اجرایی تخلف از مقررات مجازات تکمیلی
- ۱- برای بار اول: تا یک سوم به مدت مجازات تکمیلی افزوده می شود.
 - ۲- برای بار دوم: ادامه مدت به حبس یا جزای نقدی درجه ۷ یا ۸ تبدیل می گردد.

⊖ اعمال مقررات فوق (تشدید مجازات تکمیلی) الزامی است و با پیشنهاد قاضی اجرای حکم خواهد بود.^۲

- امکان لغو یا کاهش مدت مجازات تکمیلی در صورتی
- ۱- اطمینان به عدم ارتکاب جرم وجود داشته باشد.
 - ۲- اطمینان به اصلاح مجرم وجود داشته باشد.
- وجود دارد که

⊖ اعمال مقررات فوق (تخفیف یا لغو مجازات تکمیلی) اختیاری است و با پیشنهاد قاضی اجرای حکم خواهد بود.^۳

گفتار سوم: مجازات تبعی

- ⊖ مجازات تبعی به تبع مجازات اصلی در مورد مرتکب اعمال می گردد. (قاضی در اعمال مجازات تکمیلی دخالتی ندارد و این قانون گذار است که در مورد برخی محکومیت ها قائل به اعمال مجازات تبعی است).

⊖ مجازات های تبعی در دادنامه قید نمی شوند.

⊖ برای اعمال مجازات تبعی، محکومیت کیفری باید قطعی شده باشد.^۴

⊖ فقط جرایم عمدی واجد آثار تبعی است. (جرایم غیر عمدی فاقد آثار تبعی است)

⊖ مواعد مجازات های تبعی ۲، ۳ و ۷ ساله است که نسبت به جرایم مختلف متفاوت خواهد بود.

^۱ - تبصره ۲ ماده ۲۳ ق.م.ا.

^۲ - ماده ۲۴ ق.م.ا.

^۳ - همان

^۴ - ماده ۲۵ ق.م.ا.

نکته: مجازات تبعی در همه جرایم وجود ندارد و اعمال آن بر حسب نوع و میزان جرایم خواهد بود:

- | | |
|---|--|
| <p>(الف) هفت سال در محکومیت قطعی به مجازات‌های</p> | <p>- سالب حیات</p> <p>- حبس ابد</p> |
| <p>(ب) سه سال در محکومیت قطعی به مجازات‌های</p> | <p>- قطع عضو</p> <p>- قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده بیش از نصف دیه مجنی‌علیه باشد</p> <p>- نفی بلد</p> <p>- حبس درجه ۱ تا درجه ۴</p> |
| <p>(پ) دو سال در محکومیت قطعی به مجازات‌های</p> | <p>- شلاق حدی</p> <p>- قصاص عضو در صورتی که دیه جنایت وارد شده نصف دیه مجنی‌علیه یا کمتر از آن باشد</p> <p>- حبس درجه ۵</p> |

⊙ حبس‌های تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ فاقد آثار تبعی است.

⊙ گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت آثار تبعی آن را ذایل می‌کند.^۱

نکته: محکومیت کیفری اطفال فاقد آثار تبعی است.^۲

نکته: دادگاه می‌تواند ضمن حکم به مجازات جایگزین حبس، با توجه به جرم ارتكابی و وضعیت محکوم، وی را به یک یا چند مورد از مجازات‌های تبعی و یا تکمیلی نیز محکوم نماید. **در این صورت مدت مجازات مذکور نباید بیش از دو سال شود.**^۳

- | | |
|-----------------------------------|--|
| <p>مواعد شروع مجازات‌های تبعی</p> | <p>- از تاریخ اجرای حکم (ماده ۲۵)</p> <p>- از تاریخ شمول مرور زمان (همان)</p> <p>- از تاریخ توقف حکم، (در جرایم سالب حیات و حبس ابد؛ بند الف ماده ۲۵)</p> <p>- از تاریخ عفو (منظور عفو خصوصی است، عفو عمومی آثار مجازات را هم زایل می‌کند؛ تبصره ۳ ماده ۲۵)</p> <p>- از تاریخ آزادی مشروط (در مورد مجازات‌های حبس قابل اجراست؛ همان)</p> |
|-----------------------------------|--|

^۱ - تبصره ۲ ماد ۲۵ ق.م.ا.

^۲ - ماده ۹۵ ق.م.ا.

^۳ - ماده ۸۷ ق.م.ا.

⊕ مجازات تبعی فقط محرومیت از حقوق اجتماعی است.^۱

نکته: مستخدمان دستگاه‌های حکومتی در صورت محرومیت از حقوق اجتماعی، خواه به عنوان مجازات اصلی و خواه

مجازات تکمیلی یا تبعی، حسب مورد در مدت مقرر در حکم یا قانون، از خدمت منفصل می‌شوند.^۲

نکته: هر کس به عنوان مجازات تبعی از حقوق اجتماعی محروم گردد پس از گذشت مواعد مقرر در ماده (۲۵) این قانون

اعاده حیثیت می‌شود و آثار تبعی محکومیت وی زائل می‌گردد مگر در مورد بندهای (الف)، (ب) و (پ) این ماده که از

حقوق مزبور به طور دائمی محروم می‌شود.^۳

مبحث دوم: نحوه تعیین و اعمال مجازات‌ها

در تعیین نوع و مقدار مجازات برای ارتکاب عمل مجرمانه قواعد متنوعی مانند سبب‌های معافیت، سبب‌های تخفیف و

تشدید مجازات موثر هستند که در این قسمت به بررسی آنها می‌پردازیم.

گفتار اول: موارد تخفیف و معافیت از مجازات

بند اول: معاذیر قانونی

⊕ معاذیر قضایی اموری هستند که از طرف قانون گذار پیش بینی شده است و خاصیت آن از بین بردن یا کم کردن

مجازات است.

⊕ معاذیر قانونی عمومیت ندارند و وجود آن در هر جرمی بستگی به نص قانونی دارد.

⊕ در صورت احراز معاذیر قانونی، قاضی مکلف به اعمال آن می‌باشد. (الزامی است)

⊕ معاذیر قانونی محدود به جرم خاصی نیست. (بر خلاف معاذیر قضایی که فقط در تعزیرات امکان اعمال آنها وجود

دارد)

^۱ - حقوق اجتماعی در ماده ۲۶ ق.م.ا پیش بینی شده است.

^۲ - تبصره ۱ ماده ۲۶ ق.م.ا

^۳ - تبصره ۲ ماده ۲۶ ق.م.ا

معاف کننده

معاذیر

تخفیف دهنده

در این موارد به تصریح قانون، مرتکب باید از مجازات معاف گردد. مثلاً به استناد ماده ۵۰۷ ق.م.ا از کتاب تعزیرات « هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب، قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند، به مأمورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مأمورین دولتی همکاری مؤثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصاً مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد یا قسمت اخیر ماده ۵۲۱ ق.م.ا از کتاب تعزیرات که مقرر می دارد «... مگر آن که احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده اند که در این صورت از کلیه مجازات های مذکور معاف خواهند شد»؛ و ...

در این موارد باید در مجازات مرتکب تخفیف داده شود. مثلاً به موجب ماده ۵۲۱ قانون اخیر که مقرر می دارد «هر گاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می شوند قبل از کشف قضیه، مأمورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه ی اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مأمورین دولت را به نحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه ی قضایی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می شود و حسب مورد از مجازات حبس معاف

بند دوم: معاذیر قضایی

☞ معاذیر قضایی یا همان کیفیات مخففه اوضاع و احوالی هستند که در صورت وجود شرایط قانون گذار اختیار تخفیف را به دادگاه اعطا نموده که در مقام تخفیف می تواند مجازاتی را کاهش یا به مجازات مساعد دیگر تبدیل نماید.

☞ اعمال کیفیات مخففه برای دادگاه **اختیاری** است.^۱ (بر خلاف معاذیر قانونی که الزامی است)

☞ اعمال کیفیات مخففه محدود به **جرایم تعزیری** است.^۲ (بنابراین شامل حدود، قصاص و دیات نمی شود)

☞ اعمال کیفیات مخففه منوط به احراز جهات آن می باشد.^۳

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی

ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن

پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم

ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی در حین تحقیق و رسیدگی

ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری

ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن

چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم

ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

^۱ - ماده ۳۷ ق.م.ا

^۲ - همان

^۳ - مقنن در ماده ۳۸ ق.م.ا، جهات مخففه را پیش بینی نموده است.

نکته: دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.^۱

نکته: هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد، دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.^۲

نکته: در برخی موارد دادگاه از اعمال کیفیات مخففه منع شده است:

۱- چنانچه مرتکب دارای سه فقره محکومیت قطعی مشمول مقررات تکرار جرم یا بیشتر از آن باشد، مقررات تخفیف اعمال نمی‌شود.^۳

۲- در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمی‌تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید.^۴

۳- تبصره ۵ ماده ۲ قانون مجازات اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور، هیچ از مجازات های مقرر در آن قانون اعم از اعدام، حبس و کیفرهای مالی را قابل تخفیف نمی‌داند.

۴- هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.^۵

۵- در مورد کلاهبرداری، تحصیل مال نامشروع، اختلاس، ارتشا، در صورت وجود جهات و کیفیات مخففه، دادگاه می‌تواند با اعمال ضوابط مربوط به تخفیف، مجازات مرتکب را فقط تا حداقل مجازات مقرر در این ماده (حبس) و انفصال ابد از خدمات دولتی تقلیل دهد. (اعمال حداقل مجازات به معنی تخفیف نیست، در حقیقت در این موارد، دادگاه از تخفیف منع شده است)^۶

۶- جزای نقدی ناشی از قاچاق کالا قابل تخفیف نیست. (حبس آن قابل تخفیف می‌باشد)^۷

نکته: تعدد و تکرار جرم مانع تخفیف نیست اما مقنن ضوابط خاصی را برای تخفیف در این موارد پیش‌بینی کرده است.

^۱ - تبصره ۱ ماده ۳۸ ق.م.ا.

^۲ - تبصره ۲ ماده ۳۸ ق.م.ا؛ مثلاً اگر دادگاه یک بار به استناد تبصره ۲ ماده ۷۱۹ ق.م.ا از کتاب تعزیرات که مقرر می‌دارد «در تمام موارد مذکور هرگاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هر نحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را دربارهای او رعایت خواهد نمود» مجازات مرتکب را تخفیف دهد، دیگر نمی‌تواند به ستند بند «ج» ماده ۳۸ ق.م.ا که بیان گر همان جهت است دوباره مجازات را تخفیف دهد (اصطلاحاً گفته می‌شود به یک سبب نمی‌توان دوبار تخفیف داد) اما به جهات دیگر امکان پذیر است.

^۳ - تبصره ۱ ماده ۱۳۹ ق.م.ا.

^۴ - تبصره ۱ ماده ۶۶۶ ق.م.ا.

^۵ - ماده ۷۱۹ ق.م.ا.

^۶ - نگاه کنید به تبصره ۱ ماده ۱؛ تبصره ماده ۲ و همچنین تبصره ۶ ماده ۵ از قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری.

^۷ - رای وحدت رویه ۵۸۷ مورخ ۷۲

- در تعدد جرم**
- ۱- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد : دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر تخفیف دهد.
 - ۲- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر نباشد : دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا نصف آن تخفیف دهد.

- در تکرار جرم**
- ۱- اگر مجازات دارای حداقل و حداکثر باشد : دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا میانگین حداقل و حداکثر تخفیف دهد
 - ۲- اگر مجازات ثابت یا دارای حداقل و حداکثر نباشد : دادگاه می تواند مجازات مرتکب را تا نصف آن تخفیف دهد

نکته : در مورد جرایم ارتكابی توسط اطفال دادگاه می تواند در صورت احراز جهات تخفیف، مجازات ها را تا نصف حداقل تقلیل دهد و اقدامات تأمینی و تربیتی اطفال و نوجوانان را به اقدام دیگری تبدیل نماید.^۱

نکته : مقنن در مقررات فعلی، میزان یا نوع تخفیف و تبدیل را مشخص نموده است

- الف- تقلیل حبس به میزان یک تا سه درجه
- ب- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار
- پ- تبدیل انفصال دائم به انفصال موقت به میزان پنج تا پانزده سال
- ت- تقلیل سایر مجازات های تعزیری به میزان یک یا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر

نکته : مقنن امکان معافیت از مجازات به عنوان معاذیر قضایی را در قانون مجازات اسلامی جدید پیش بینی کرده است. اما شرایطی را نیز برای آن مقرر نموده که عبارت است از :

- ۱- معافیت از مجازات برای دادگاه اختیاری است
- ۲- در جرائم تعزیری درجه های هفت و هشت امکان پذیر است
- ۳- جهات تخفیف (جهات مندرج در ماه ۳۸ ق.م.ا) باید احراز گردد
- ۴- ابتدا باید مجرمیت مرتکب احراز گردد (تا در صورت عدم احراز مجرمیت حکم به برائت صادر گردد نه معافیت از مجازات)
- ۵- دادگاه تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب، اصلاح می شود
- ۶- مرتکب سابقه محکومیت کیفری مؤثر نداشته باشد (محکومیت کیفری مؤثر در تبصره ماده ۴۰ ق.م.ا تعریف شده است)
- ۷- شاکی گذشت کرده باشد (منظور گذشت شاکی در جرایم غیر قابل گذشت است)

^۱ - ماده ۹۳ ق.م.ا

۸- جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن شده باشد

گفتار دوم: مجازات های جایگزین حبس

قانون گذار در فصل نهم از بخش دوم کتاب اول قانون مجازات اسلامی، فصلی را به مجازات های جایگزین حبس اختصاص داده است که به موجب آن دادگاه در برخی موارد به صورت اختیاری و در برخی موارد الزامی، مجازات حبس را به مجازات جایگزین حبس تبدیل می نماید.

⊖ مجازات های جایگزین حبس عبارت از:

- ۱- دوره مراقبت (دوره مراقبت دوره ای است که طی آن محکوم، به حکم دادگاه و تحت نظارت قاضی اجرای احکام به انجام یک یا چند مورد از دستورهای مندرج در تعویق مراقبتی محکوم می گردد)^۱
- ۲- خدمات عمومی رایگان (خدمات عمومی رایگان، خدماتی است که با رضایت محکوم برای مدت معین مورد حکم واقع می شود و تحت نظارت قاضی اجرای احکام اجراء می گردد)^۲
- ۳- جزای نقدی
- ۴- جزای نقدی روزانه (جزای نقدی روزانه عبارت است از یک هشتم تا یک چهارم درآمد روزانه محکوم که با نظارت اجرای احکام وصول می گردد)^۳
- ۵- محرومیت از حقوق اجتماعی

⊖ شرایط اعمال مجازات های جایگزین حبس:

- ۱- گذشت شاکی
- ۲- وجود جهات تخفیف
- ۳- ملاحظه نوع جرم و کیفیت ارتکاب آن، آثار ناشی از جرم، سن، مهارت، وضعیت، شخصیت و سابقه مجرم، وضعیت بزه دیده و سایر اوضاع و احوال،

^۱ - ماده ۸۳ ق.م.ا

^۲ - ماده ۸۴ ق.م.ا؛ به استناد تبصره ۱ ماده اخیر «ساعات ارائه خدمت عمومی برای افراد شاغل بیش از چهار ساعت و برای افراد غیرشاغل بیش از هشت ساعت در روز نیست. در هر حال ساعات ارائه خدمت در روز نباید مانع امرار معاش متعارف محکوم شود» و به استناد تبصره ۳ همان ماده «دادگاه نمی تواند به بیش از یک خدمت عمومی مقرر در آیین نامه موضوع این فصل حکم دهد. در هر حال در صورت عدم رضایت محکوم، به انجام خدمات عمومی، مجازات اصلی مورد حکم واقع می شود».

^۳ - ماده ۸۵ ق.م.ا؛ همچنین به موجب تبصره همان ماده «محکوم موظف است در پایان هر ماه ظرف ده روز مجموع جزای نقدی روزانه آن ماه را پرداخت نماید».

۴- تصریح به سنخیت و تناسب مجازات مورد حکم با موارد مندرج در بند قبلی در حکم خود^۱،

۵- دادگاه نمی‌تواند به بیش از دو نوع از مجازات‌های جایگزین حکم دهد.^۲

⊙ دادگاه ضمن تعیین مجازات جایگزین، مدت مجازات حبس را نیز تعیین می‌کند تا در صورت **تعدر اجرای مجازات جایگزین، تخلف از دستورها یا عجز از پرداخت جزای نقدی**، مجازات حبس اجراء شود.^۳

⊙ چنانچه اجرای تمام یا بخشی از مجازات‌های جایگزین حبس با مانعی مواجه گردد، مجازات مورد حکم یا بخش اجراءنشده آن بعد از رفع مانع اجراء می‌گردد. **چنانچه مانع مذکور به واسطه رفتار عمدی محکوم و برای متوقف کردن مجازات ایجاد گردد مجازات اصلی اجراء می‌شود.**^۴

* موارد الزامی اعمال مجازات‌های جایگزین حبس

۱- مرتکبان جرائم عمدی که **حداکثر مجازات قانونی آنها سه ماه حبس است** به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند.^۵

۲- مرتکبان جرائم عمدی که **حداکثر مجازات قانونی آنها نود و یک روز تا شش ماه حبس است** به‌جای حبس به مجازات جایگزین حبس محکوم می‌گردند مگر اینکه به دلیل ارتکاب **جرم عمدی** دارای سابقه محکومیت کیفری به شرح زیر باشند و از اجرای آن پنج سال نگذشته باشد:^۶

الف) بیش از یک فقره سابقه محکومیت قطعی به

۱- حبس تا شش ماه	}
۲- جزای نقدی بیش از ده میلیون ریال	
۳- شلاق تعزیری (با هر میزان)	

ب) یک فقره سابقه محکومیت قطعی به

۱- حبس بیش از شش ماه	}
۲- حد	
۳- قصاص	
۴- پرداخت بیش از یک‌پنجم دیه	

^۱ تبصره ماده ۶۴ ق.م.ا.

^۲ همان

^۳ ماده ۷۰ ق.م.ا.

^۴ ماده ۸۲ ق.م.ا.

^۵ ماده ۶۵ ق.م.ا.

^۶ ماده ۶۶ ق.م.ا.

نکته: اگر از تاریخ اجرای حکم ۵ سال گذشته باشد، سابقه محکومیت به مجازات های فوق، مانعی برای اعمال مجازات جایگزین حبس ایجاد نخواهد کرد.

۳- مرتکبان جرائمی که نوع یا میزان تعزیر آنها در قوانین موضوعه تعیین نشده است به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.^۱

۴- مرتکبان جرائم غیر عمدی در صورتی که مجازات قانونی آنها حبس تا ۲ سال باشد (خود ۲ سال را هم شامل می شود) به مجازات جایگزین حبس محکوم می گردند.^۲

* موارد اختیاری اعمال مجازات های جایگزین حبس

۱- دادگاه می تواند مرتکبان جرائم عمدی را که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از شش ماه تا یک سال حبس است به مجازات جایگزین حبس محکوم کند، در صورت وجود شرایط ماده (۶۶) این قانون اعمال مجازات های جایگزین حبس ممنوع است.^۳

۲- مرتکبان جرائم غیر عمدی که مجازات قانونی جرم ارتكابی بیش از دو سال حبس باشد.^۴

* موانع اعمال مجازات های جایگزین حبس

- ۱- اعمال مجازات های جایگزین حبس در مورد جرائم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور ممنوع است.^۵
- ۲- تعدد جرائم عمدی که مجازات قانونی حداقل یکی از آنها بیش از شش ماه حبس باشد مانع از صدور حکم به مجازات جایگزین حبس است.^۶
- ۳- در جرائم عمدی که مجازات قانونی آنها بیش از یک سال حبس است در صورت تخفیف مجازات به کمتر از یک سال، دادگاه نمی تواند به مجازات جایگزین حبس حکم نماید.^۷ (در همه موارد، مجازات قانونی ملاک می باشد نه مجازات تعیین شده به وسیله دادگاه)

* امکان تخفیف یا تشدید یا لغو مجازات های جایگزین حبس وجود دارد

۱- ماده ۷۰ ق.م.ا

۲- ماده ۶۸ ق.م.ا

۳- ماده ۶۷ ق.م.ا

۴- ماده ۶۸ ق.م.ا

۵- ماده ۷۱ ق.م.ا

۶- ماده ۷۲ ق.م.ا

۷- ماده ۷۳ ق.م.ا

- ۱- رعایت مفاد حکم دادگاه از سوی محکوم حاکی از اصلاح رفتار وی باشد.
- ۲- تخفیف مجازات جایگزین حبس برای یک بار امکان پذیر است.
- ۳- میزان تخفیف مجازات جایگزین حبس، کاهش بقیه مدت تا نصف آن است.
- شرایط لازم برای امکان تخفیف مجازات جایگزین حبس^۱

- ۱- محکوم از اجرای مفاد حکم یا دستورهای دادگاه تخلف ننماید.
- ۲- دادگاه برای بار نخست یک چهارم تا یک دوم به مجازات مورد حکم افزوده می شود.
- ۳- در صورت تکرار، مجازات حبس اجراء می گردد.
- شرایط لازم برای امکان تشدید مجازات جایگزین حبس^۲

نکته: تخفیف یا تشدید مجازات جایگزین به پیشنهاد قاضی اجرای احکام خواهد بود.

گفتار سوم: تشدید مجازات

تشدید مجازات کیفیات و اوصافی است که قانون گذار تعیین کرده و با احراز آنها دادگاه مجازات مرتکب را تشدید خواهد نمود. البته در تشدید مجازات دادگاه باید مجازات مرتکب را به بیش از حداکثر مجازات قانونی تعیین نماید ولی در مواردی که میزان تشدید مشخص نشده است دادگاه نمی تواند به بیش از حداکثر مجازات قانونی حکم نماید. بنابراین اصل قانونی بودن ایجاب می کند نه فقط مجازات توسط مقنن تعیین شود، بلکه قانون گذار میزان تشدید را نیز تعیین نماید.

- ۱- کیفیات مشدده عینی (یا نوعی یا موضوعی یا واقعی)
- ۲- کیفیات مشدده شخصی
- ۱- کیفیات مشدده خاص
- ۲- کیفیات مشدده عام
- ۱- تعدد
- ۲- تکرار
- تقسیم بندی کیفیات مشدده

^۱ - ماده ۸۰ ق.م.ا.

^۲ - ماده ۸۱ ق.م.ا.

بند اول: کیفیات مشدده خاص

این کیفیات مخصوص همه جرایم نیست و اعمال آن منوط به وجود نص قانونی در همان مورد می باشد. به عبارت دیگر جهات تشدید مجازات خاص، کیفیاتی است **مربوط به جرم مشخص** و موجب تشدید مجازات همان جرم است.

الف) کیفیات مشدده نوعی

کیفیات مذکور وقایعی است خارجی که اگر با افعال مادی جرم مقارن گردد بر حدت و خطرناکی آن می افزاید، و به تبع آن مجازات تشدید می شود. مثلاً اگر سرقت مقرون به آزار باشد یا سارق مسلح باشد مطابق با ماده ۶۵۲ ق.م.ا از کتاب تعزیرات، مجازات مرتکب تشدید می گردد. یا اگر آدم ربایی با وسیله نقلیه باشد مطابق با ماده ۶۲۱ همان قانون موجب تشدید مجازات خواهد شد. در جرایم غیر عمدی هم امکان تشدید وجود دارد. مثلاً اگر راننده مست بوده یا فاقد گواهینامه باشد یا از محل های عبور ممنوع رانندگی نماید و ... به استناد ماده ۷۱۸ از قانون اخیر الذکر مجازات مرتکب تشدید می گردد.

ب) کیفیات مشدده شخصی

گاهی این کیفیات تشدید ناشی از اوصاف و صفات بزهکار اعم از مباشر، معاون و شریک جرم بستگی دارد. مثلاً به موجب تبصره ماده ۲۳۶ ق.م.ا در صورتی که فاعل تفخیز غیر مسلمان و مفعول، مسلمان باشد، حد فاعل اعدام است. یا به موجب ماده ۵۲۷ ق.م.ا از کتاب تعزیرات جعل مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ التحصیلی و سایر مصادیق مندرج در ماده از طرف کارمندان دولتی موجب تشدید مجازات خواهد بود.

بند دوم: کیفیات مشدده عام

اوصافی هستند که با هر جرمی همراه شوند، باعث تشدید مجازات می شوند. جهات تشدید عام مختص جرم خاص نیست. در این بند، به مباحث تعدد و تکرار اشاره می کنیم.

الف) تعدد جرایم

تعدد وضعیت مجرمی است که مرتکب جرایم مختلف شده بدون اینکه به هیچ کدام از آنها رسیدگی شده باشد. به طور کلی حکم قطعی لازم الاجرا در حورد هیچ کدام از جرایم صادر نشده است.

بند اول: تعدد در جرایم مستوجب حد

در جرائم موجب حد، تعدد جرم، موجب تعدد مجازات است (مثلاً اگر شخصی مرتکب یک فقره زنا غیر محصنه و یک فقره شرب خمر گردد، هر دو مجازات در حق مرتکب اجرا خواهد شد)

نکته: در جرایم حدی، در فرض تعدد جرایم، اصل بر تعدد مجازات است (قاعده جمع مجازات ها). مگر در موارد زیر:

۱- در مواردی که جرائم ارتكابی و نیز مجازات آنها یکسان باشد.^۱ (اگر هم نوع جرم و هم نوع مجازات ها یکسان باشد، مانند شخصی که مرتکب دو فقره زنا غیر محصنه - به استناد ماده ۲۳۰ ق.م.ا، مجازات زنا غیر محصنه صد ضربه شلاق است - شده باشد، فقط یک مجازات در مورد وی اجرا خواهد شد)

۲- چنانچه مرتکب به اعدام و حبس یا اعدام و تبعید محکوم گردد، تنها اعدام اجراء می شود.^۲ (مثلاً شخصی مرتکب یک فقره زنا به عنف یا اکراه شده باشد - مجازات زنا به عنف یا اکراه مطابق با ماده ۲۲۴ ق.م.ا مستوجب اعدام است - و یک فقره سرقت حدی برای بار سوم - مجازات سرقت حدی برای بار سوم مطابق با بند «پ» ماده ۲۷۸ ق.م.ا مستوجب حبس ابد است - فقط مجازات اعدام در مورد مرتکب اجرا خواهد شد)

۳- چنانچه دو یا چند جرم حدی در راستای هم و در یک واقعه باشند، فقط مجازات اشد اجراء می شود؛ مانند تفخیز در هنگام لواط که تنها مجازات لواط اجراء می شود.^۳

۴- اگر مرد و زنی چند بار با یکدیگر مرتکب زنا شوند، چنانچه مجازات اعدام و جلد یا رجم و جلد ثابت باشد، تنها اعدام یا رجم حسب مورد اجراء می شود.^۴

Ⓒ چنانچه قذف، نسبت به دو یا چند نفر باشد، دو یا چند مجازات اجراء می گردد.^۵ در این مورد با اینکه نوع جرم و مجازات آنها واحد است اما قانون گذار معتقد به اعمال قاعده جمع مجازات هاست. در این مورد هم باید قائل به تفکیک شد. یعنی اگر مطابق با ماده ۲۵۷ ق.م.ا «کسی که چند نفر را به یک لفظ قذف نماید هر کدام از قذف شوندگان می تواند جداگانه شکایت نماید و در صورت صدور حکم محکومیت، اجرای آن را مطالبه کند. چنانچه قذف شوندگان

۱- ماده ۱۳۲ ق.م.ا

۲- تبصره ۱ ماده ۱۳۲ ق.م.ا

۳- تبصره ۲ همان

۴- تبصره ۳ همان

۵- تبصره ۴ همان

یکجا شکایت نمایند بیش از یک حد جاری نمی‌شود». ولی طبق ماده ۲۵۶ همان قانون «کسی که چند نفر را به‌طور جداگانه قذف کند خواه همه آنها با هم، خواه جداگانه شکایت کنند، در برابر قذف هر یک، حد مستقلاً بر او جاری می‌شود».

نکته: در فرض تعدد جرایم حدی با قصاص، اصل بر تعدد مجازات است (قاعده جمع مجازات ها) و ابتدا حد اجرا می‌شود مگر اینکه^۱:

- ۱- اجرای حد محل قصاص را از بین ببرد (مثلاً فردی درست راست مجنی علیه را قطع نموده که مجازات آن قصاص همان عضو است و نیز مرتکب یک فقره سرقت حدی برای بار اول شده که مجازات آن مطابق با بند «الف» ماده ۲۷۸ ق.م.ا، قطع دست راست است. در این مثال چون اجرای حد، محل قصاص را از بین می‌برد، مجازات قصاص مقدم خواهد شد)
 - ۲- اجرای حد موجب تأخیر در اجرای قصاص گردد (مثلاً اگر شخصی برای بار دوم مرتکب جرم قوادی شود که مجازات آن در صورت تکرار، مطابق با ماده ۲۴۳ ق.م.ا ۷۵ ضربه شلاق و تا یک سال تبعید است و نیز یک فقره جرح عمدی که مستوجب قصاص نفس است گردد، چون اجرای مجازات تبعید موجب تأخیر در اجرای قصاص می‌شود، مجازات قصاص بر مجازات حدی مقدم می‌شود. البته دقت شود در این موارد هم مجازات حدی و هم مجازات قصاص اجرا می‌شود و صرفاً به تقدم اجرای هر کدام حکم شده است مگر اینکه قصاص سالب حیات باشد که در این صورت اگر اجرای حد محل قصاص را منتفی یا موجب تأخیر در اجرای آن گردد، فقط مجازات قصاص اجرا خواهد شد)
- ⊖ در صورت عدم مطالبه فوری اجرای قصاص یا گذشت یا تبدیل به دیه، مجازات حدی اجراء می‌شود.

نکته: در فرض تعدد جرایم حدی یا قصاص با جرایم تعزیری، اصل بر تعدد مجازات است (قاعده جمع مجازات ها) و ابتدا حد یا قصاص اجرا می‌شود مگر در موارد زیر که اجرای تعزیر مقدم می‌شود^۲:

- ۱- حد یا قصاص سالب حیات باشد و
 - ۲- تعزیر، تعزیر معین شرعی یا حق الناس باشد و
 - ۳- موجب تأخیر در اجرای حد نگردد.
- ⊖ حکم ماده فقط از حیث تقدم در اجراست و همه مجازات ها اجرا خواهد شد. اما در صورتی که جرم حدی از جنس جرم تعزیری باشد مانند سرقت حدی و سرقت غیر حدی یا مانند زنا و روابط نامشروع کمتر از زنا، مرتکب فقط به مجازات حدی محکوم می‌شود و مجازات تعزیری ساقط می‌گردد، مگر در حد قذف که اگر قذف نسبت به شخصی و دشنام به دیگری باشد، مرتکب به هر دو مجازات محکوم می‌شود.

^۱ - ماده ۱۳۳ ق.م.ا

^۲ - ماده ۱۳۵ ق.م.ا

بند دوم: تعدد در جرایم تعزیری

- تعدد در جرایم تعزیری به دو دسته تقسیم می شود
- ۱- تعدد معنوی
 - ۲- تعدد مادی

۱. تعدد معنوی یا اعتباری

تعدد معنوی حالت مجرمی است که مرتکب یک عمل شده است اما دارای عناوین متعدده قانونی یا نتایج متعدد است. یعنی فعل واحد است ولی عناوین مجرمانه متعدد می گردد. به استناد ماده ۱۳۱ ق.م.ا «در جرائم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد، مرتکب به مجازات اشد محکوم می شود».

* مصادیقی از تعدد معنوی عبارت اند از:

- ۱- ترک اتفاق افراد خانواده (برای ترک اتفاق یک خانواده چند نفره، فقط یک مجازات اعمال می گردد نه بیشتر چون از مصادیق تعدد معنوی است).
- ۲- استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری (جعل و کلاهبرداری تعدد مادی است)
- ۳- نداشتن گواهینامه در حین رانندگی و تحقق قتل یا صدمه بدنی غیر عمد ناشی از تخلفات رانندگی^۱
- ۴- تهیه مشروبات و مصرف آن

۲. تعدد مادی یا واقعی

وضعیت مجرمی است که مرتکب یک یا چند عمل مجرمانه ی مستقل از یکدیگر می شود. بدون آنکه درباه آنها رسیدگی شده یا حکم قطعی صادر شده باشد.

* فرض تعدد مادی در جرایمی که مجازات آنها: ^۲

^۱ - رای وحدت رویه ۶۳۸ مورخ ۷۸

^۲ - ماده ۱۳۴ ق.م.ا

الف) دارای حداقل و حداکثر باشد

۱. جرایم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد: دادگاه برای هر یک از جرائم حداکثر مجازات مقرر را حکم می‌کند ولی فقط مجازات اشد قابل اجرا خواهد بود.
۲. جرایم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد: دادگاه مجازات هر یک از جرایم را بیش از حداکثر مجازات مقرر قانونی مشروط به اینکه از حداکثر به اضافه

ب) دارای حداقل و حداکثر نباشد

۱. جرایم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد: دادگاه تا یک چهارم مجازات مقرر قانونی به اصل مجازات هر جرم اضافه می‌کند.
۲. جرایم ارتكابی بیش از ۳ جرم نباشد: دادگاه تا نصف مجازات مقرر قانونی به اصل مجازات هر جرم اضافه می‌کند.

نکته: علی رغم عدم تصریح ماده، در مواردی که مجازات ها دارای حداقل و حداکثر نیست هم، مجازات اشد قابل اجرا خواهد بود.

⊕ در برخی جرایم تعزیری قانون گذار قائل به اعمال قاعده جمع مجازات ها می باشد، مثلاً در مورد استفاده از سند مجعول و شروع به کلاهبرداری چنین اظهار نظر می کند که «مجازات شروع به کلاهبرداری حسب مورد حداقل مجازات مقرر در همان مورد خواهد بود و در صورتی که نفس عمل انجام شده نیز جرم باشد، شروع کننده به مجازات آن جرم نیز محکوم می شود».^۱ این در حالی است که استفاده از سند مجعول و کلاهبرداری تعدد معنوی است!

⊕ مقررات راجع به تعدد جرم در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ اعمال نمی گردد. این مجازات ها با هم و نیز با مجازات های تعزیری درجه یک تا شش جمع می گردد.^۲

⊕ در صورتی که مجموع جرائم ارتكابی در قانون عنوان مجرمانه خاصی داشته باشد، مقررات تعدد جرم، اعمال نمی شود و مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد. (مثلاً به موجب تبصره ۲ ماده ۵ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، در صورتی که اختلاس توأم با جعل سند باشد - تعدد مادی - مرتکب به مجازات خاص مندرج در آن تبصره محکوم می گردد و مشمول ماده ۱۳۴ ق.م.ا نخواهد بود)

^۱ - تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری

^۲ - تبصره ۴ ماده ۱۳۴ ق.م.ا

ب) تکرار جرایم

* شرایط تحقق تکرار جرم در حدود:

- ۱- کسی که سه بار مرتکب یک نوع جرم موجب حد شود و
 - ۲- هر بار حد آن جرم بر او جاری گردد، (لازمه تحقق تکرار در جرایم حدی، اجرای حد است)
 - ۳- حد وی در مرتبه چهارم اعدام است.
- بنابراین تکرار جرایم حدی در صورتی که نوع جرم یکسان باشد، تاثیری در مجازات ندارد. مثلاً شخصی که مرتکب جرم شرب خمر شده و مجازات آن اجرا شده مجدداً مرتکب همان جرم شود، همچنان ۸۰ ضربه شلاق در حق وی اجرا خواهد شد. اما اگر هر بار تکرار کند و هر بار هم مجازات در حق وی اجرا شود در مرتبه چهارم، حد مرتکب اعدام خواهد بود. لازمه اعمال مجازات اعدام اجرای احکام سابق می باشد. بنابراین اگر شخصی مرتکب چهار فقره جرم شرب خمر شده که مجازات هیچ یک از آنها اجرا نشده باشد، فقط یک حد - ۸۰ ضربه شلاق - در مورد او اجرا خواهد شد.

ج) در برخی موارد مقنن شرایط خاصی را برای تکرار جرم در حدود پیش بینی کرده است:

۱. مثلاً حد سرقت به استناد ماده ۲۷۸ ق.م.ا.:
- الف- در مرتبه اول، قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن است، به طوری که انگشت شست و کف دست باقی بماند.
- ب- در مرتبه دوم، قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی است، به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح باقی بماند.
- پ- در مرتبه سوم، حبس ابد است.
- ت- در مرتبه چهارم، اعدام است هر چند سرقت در زندان باشد.
۲. در مورد حد قوادی برای مرد برای بار اول هفتاد و پنج ضربه شلاق است و برای بار دوم (در صورت تکرار) علاوه بر هفتاد و پنج ضربه شلاق به عنوان حد، به تبعید تا یک سال نیز محکوم می شود که مدت آن را قاضی مشخص می کند و برای زن فقط هفتاد و پنج ضربه شلاق است.

* شرایط تحقق تکرار جرم در تعزیرات:

- ۱- هر کس مرتکب یکی از جرایم تعزیری از درجه یک تا شش شود،
- ۲- حکم قطعی در مورد وی صادر شده باشد،

۳- از تاریخ قطعیت حکم تا حصول اعاده حیثیت یا شمول مرور زمان اجرای مجازات، مرتکب جرم تعزیری درجه یک تا شش دیگری گردد، (شبهات جرم ارتكابی جدید به جرم سابق ملاک نیست اما باید تعزیری و از درجه ۱ تا ۶ باشد)

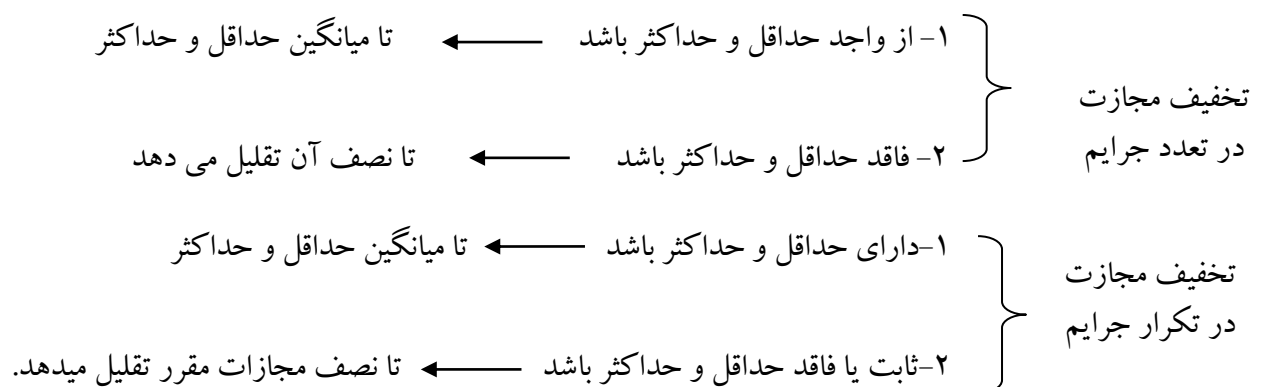
۴- میزان تشدید در صورت تکرار جرم تعزیری مشخص شده و مرتکب به حداکثر مجازات تا یک و نیم برابر آن محکوم می‌شود.

⊖ بر خلاف حدود، اجرای حکم محکومیت اول برای تحقق تکرار جرم در تعزیرات ملاک نیست بلکه حتی اگر جرم اول مشمول مرور زمان شده باشد در صورت ارتکاب جرم تعزیری جدید، مقررات تکرار جرم اعمال خواهد شد.

⊖ مقررات تکرار جرم در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ اعمال نمی‌شود.

⊖ مقررات مربوط به تکرار جرم در جرائم سیاسی و مطبوعاتی و جرائم اطفال اعمال نمی‌شود.

⊖ اینکه تکرار جرم در جرایم عمدی یا غیر عمدی موجب تشدید است تصریحی نشده است. اما به نظر می‌رسد محدود به جرایم عمدی باشد.



گفتار چهارم: نظام نیمه آزادی

⊖ نظام نیمه آزادی، شیوه‌ای است که بر اساس آن محکوم می‌تواند در زمان اجرای حکم حبس، فعالیت‌های حرفه‌ای، آموزشی، حرفه‌آموزی، درمانی و نظایر اینها را در خارج از زندان انجام دهد. اجرای این فعالیت‌ها زیر نظر مراکز نیمه‌آزادی است که در سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی تأسیس می‌شود.^۱

⊖ در حبس‌های تعزیری درجه ۵ تا ۷ اعمال می‌شود.^۲

^۱ - ماده ۵۶ ق.م.ا.

^۲ - ماده ۵۷ ق.م.ا.

- ⊖ اعطای نظام نیمه آزادی اختیاری است
- ⊖ اعطای نظام نیمه آزادی با دادگاه صادرکننده حکم قطعی است
- ⊖ اعطای نظام نیمه آزادی با رضایت خود محکوم علیه خواهد بود.
- ⊖ شاکی باید گذشت کرده باشد
- ⊖ تأمین مناسب سپرده باشد
- ⊖ تعهد به انجام فعالیت شغلی، حرفه ای، آموزشی، حرفه آموزی و ... توسط مرتکب شده باشد

گفتار پنجم: نظام آزادی مشروط

- ⊖ اعطای آزادی مشروط اختیاری است
- ⊖ آزادی مشروط فقط در مورد حبس های تعزیری است

اگر مدت حبس بیش از ۱۰ سال باشد ← بعد از گذراندن یک دوم مجازات اگر مدت حبس ۱۰ سال و کمتر از آن باشد ← بعد از گذراندن یک سوم مجازات	}	برای اعطای آزادی مشروط، محکوم علیه باید مدتی از محکومیت حبس خود را سپری کرده باشد
---	---	--

- ⊖ اعطای آزادی مشروط منوط به پیشنهاد دادستان یا قاضی اجرای حکم است

مرتکب باید شرایط ماده ۵۷ ق.م.ا را داشته باشد:

- الف- محکوم در مدت اجرای مجازات همواره از خود حسن اخلاق و رفتار نشان دهد.
- ب- حالات و رفتار محکوم نشان دهد که پس از آزادی، دیگر مرتکب جرمی نمی شود.
- پ- به تشخیص دادگاه محکوم تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیان مورد حکم یا مورد موافقت مدعی خصوصی را بپردازد یا قراری برای پرداخت آن ترتیب دهد.
- ت- محکوم پیش از آن از آزادی مشروط استفاده نکرده باشد.

۱- شامل بقیه مدت حبس خواهد بود. ۲- در هر حال نمی تواند بیشتر از ۵ سال و کمتر از ۱ سال نباشد. جز در مواردی که مدت باقیمانده کمتر از یک سال باشد که در این صورت مدت آزادی مشروط معادل بقیه مدت حبس است.	}	مدت آزادی مشروط
---	---	------------------------

دادگاه می تواند ضمن آزادی مشروط، محکوم علیه را به اجرای دستورات مندرج در تعویق صدور حکم (ماده ۴۳ ق.م.ا) ملزم نماید.

۱- اوضاع و احوال وقوع جرم	}	اعمال دستورات در طول
۲- خصوصیات روانی و شخصیت محکوم علیه		آزادی مشروط با توجه به

* ضمانت اجرای تخلف از اجرای دستورات ماده ۴۳ در طول آزادی مشروط (بدون عذر موجه):^۱

- ۱- برای بار اول ← ۱ تا ۲ سال حبس به مدت آزادی مشروط اضافه می شود
- ۲- در صورت تکرار یا ارتکاب جرم عمدی قصاص، حد، دیه، یا تعزیر تا درجه ۷ ← علاوه بر مجازات جرم جدید، باقی مانده محکومیت نیز به اجراء در می آید. (ماده ۶۱)

* نظارت الکترونیکی:

- ⊙ در حبس های تعزیری درجه ۵ تا ۸ اعمال می گردد.
- ⊙ اعمال نظارت الکترونیکی برای دادگاه اختیاری است.

۱- وجود جهات تخفیف	}	⊙ شرایط تعویق مراقبتی باید وجود داشته باشد
۲- پیش بینی اصلاح مرتکب		⊙ محکوم علیه خودش رضایت داشته باشد
۳- جبران ضرر و زیان، برقراری ترتیبات آن		
۴- فقدان سابقه کیفری موثر		
۵- اخذ تعهد کتبی		

- ⊙ محدوده مکانی باید مشخص باشد

- ⊙ در مورد حبس ابد، ماده واحده قانون راجع به آزادی مشروط مصوب ۳۷ مقرر می دارد که این محکومان بعد از گذشت ۱۲ سال می توانند از آزادی مشروط استفاده کنند.

- ⊙ ملاک استفاده از آزادی مشروط، مجازات مقرر در دادنامه است، حتی اگر پس از عفو تقلیل یابد. مثلاً اگر شخصی به ۱۲ سال حبس محکوم شود، وی بعد از سپری شدن یک دوم مدت حبس می توان از آزادی مشروط استفاده کند حتی اگر در مدت تحمل محکومیت مجازات وی به علت عفو به کمتر از ۱۰ سال تقلیل یابد.

^۱ - ماده ۶۱ ق.م.ا

⊖ استفاده از آزادی مشروط در مورد اطفال و نوجوانان نیز پیش بینی شده است.^۱

گفتار ششم: تعویق صدور حکم

⊖ تعویق صدور حکم یعنی، به تأخیر انداختن صدور حکم محکومیت.

⊖ تعویق صدور حکم در جرایم تعزیری درجه ۶، ۷ و ۸ امکان پذیر است.

⊖ تعویق صدور حکم برای دادگاه اختیاری است

⊖ تعویق صدور حکم پس از احراز مجرمیت متهم است (دادسرا مجاز به تعویق نیست)

⊖ تعویق صدور حکم با ملاحظه وضعیت فردی، خانوادگی و اجتماعی و سوابق و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است خواهد بود

⊖ مدت تعویق صدور حکم ۶ ماه تا ۲ سال است.

۱- وجود جهات تخفیف ۲- پیش بینی اصلاح مرتکب ۳- جبران ضرر و زیان، برقراری ترتیبات آن ۴- فقدان سابقه کیفری موثر ۵- اخذ تعهد کتبی	}	شرایط تعویق صدور حکم (ماده ۴۰ ق.م.ا)
--	---	---

⊖ امکان تعویق صدور حکم در مورد اطفال و نوجوانان تمام جرایم تعزیری با رعایت مقررات وجود دارد.^۲

۱. ساده: کتباً تعهد می دهد مرتکب جرم نشود و اوضاع و احوال او دلالت بر ارتکاب جرم نکند. ۲. مراقبتی: علاوه بر شرایط تعویق ساده دستور ها و تدابیر مقرر به وسیله دادگاه را رعایت کند.	}	انواع تعویق (ماده ۴۱ ق.م.ا)
---	---	--

⊖ تعویق مراقبتی همراه با تدابیر مندرج در ماده ۴۲ ق.م.ا خواهد بود (الزامی است)

⊖ تعویق مراقبتی می تواند همراه با دستورات مندرج در ماده ۴۳ ق.م.ا باشد. (اختیاری است)

^۱ - ماده ۹۰ ق.م.ا

^۲ - ماده ۹۴ ق.م.ا

* ارتکاب جرم در مدت تعویق^۱:

$$\left. \begin{array}{c} \text{قصاص} \\ \text{جنايات عمدی موجب ديه} \\ \text{تعزير تا درجه ۷} \end{array} \right\} \text{ارتکاب جرم در مدت تعویق}$$

قرار تعویق لغو می شود.

* ضمانت اجرای عدم انجام دستورات در مدت تعویق^۲:

۱- برای بار اول: تا نصف مدت مقرر در قرار به مدت تعویق اضافه یا حکم محکومیت صادر می گردد.

۲- برای بار دوم: تعویق لغو خواهد شد.

☞ در صورت لغو قرار تعویق و صدور حکم امکان تعلیق وجود ندارد.

☞ پس از گذشت مدت تعویق با توجه به میزان پابندی مرتکب به اجرای دستورهای دادگاه، گزارشهای مددکار اجتماعی و نیز ملاحظه وضعیت مرتکب، دادگاه حسب مورد به تعیین کیفر یا صدور حکم معافیت از کیفر اقدام می کند.^۳

☞ در برخی جرایم امکان تعویق صدور حکم وجود ندارد. (ماده ۴۷)

گفتار هفتم: تعلیق مجازات

☞ تعلیق اجرای مجازات در جرایم تعزیری درجه ۳ الی ۸ امکان پذیر است.^۴

☞ تعلیق اجرای مجازات برای دادگاه اختیاری است.

☞ تعلیق اجرای مجازات می تواند نسبت به کل مجازات یا قسمتی از آن باشد.

☞ مدت تعلیق اجرای مجازات ۱ تا ۵ سال است.^۵

۱- ماده ۴۴ ق.م.ا

۲- همان

۳- ماده ۴۵ ق.م.ا

۴- ماده ۴۶ ق.م.ا

۵- همان

⊖ تعلیق اجرای مجازات می تواند ضمن صدور حکم یا پس از آن یا در حین اجرای مجازات باشد. در تعلیق اجرای مجازات پس از اجراء باید یک سوم مجازات سپری شده باشد. دادستان، قاضی اجرای حکم یا خود محکوم علیه می توانند درخواست تعلیق نمایند.^۱

⊖ تعلیق اجرای مجازات با رعایت مقررات مندرج در تعویق صدور حکم خواهد بود (شرایط مقرر در ماده ۴۰ ق.م.ا).

⊖ تعلیق اجرای مجازات می تواند بصورت ساده یا مراقبتی باشد.^۲

⊖ تعلیق ساده با رعایت مقررات تعویق ساده خواهد بود (اخذ تعهد کتبی)

⊖ تعلیق مراقبتی با رعایت مقررات تعویق مراقبتی خواهد بود (علاوه بر اخذ تعهد کتبی همراه با اعمال دستورات و تدابیر خواهد بود)

تخلف از دستورات دادگاه در مدت تعلیق

برای بار اول: دادگاه می تواند ۱ تا ۲ سال به مدت تعلیق اضافه نماید یا قرار تعلیق را لغو کند

بار دوم: لغو قرار تعلیق

در صورت ارتکاب جرایم مستوجب

قرار تعلیق لغو می شود.

حدی
قصاص
جنايات عمدی موجب ديه
تعزیر تا درجه ۷

⊖ تعلیق مجازات تأثیری در حقوق مدعی خصوصی ندارد.^۳

۱- ماده ۴۶ ق.م.ا

۲- ماده ۴۸ ق.م.ا

۳- ماده ۵۱ ق.م.ا

*موانع تعلیق:

صدور حکم و اجرای مجازات در مورد جرائم زیر و شروع به آنها قابل تعویق و تعلیق نیست^۱:

الف- جرائم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور^۲، خرابکاری در تأسیسات آب، برق، گاز، نفت و مخابرات^۳

ب- جرائم سازمان یافته، سرقت مسلحانه یا مقرون به آزار^۴، آدم ربایی^۵ و اسیدپاشی

پ- قدرتنمایی و ایجاد مزاحمت با چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر، جرائم علیه عفت عمومی، تشکیل یا اداره مراکز فساد و فحشا

ت- قاچاق عمده مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی^۶ و سلاح و مهمات و قاچاق انسان^۷

ث- تعزیر بدل از قصاص نفس، معاونت در قتل عمدی و محاربه و افساد فی الارض^۸

ج- جرائم اقتصادی، با موضوع جرم بیش از یکصد میلیون (۱۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال

⊖ جرایم تعزیری توسط نوجوانان قابل تعلیق است.^۹

⊖ در صورت عدم ارتکاب جرایم حدی، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ محکومیت تعلیقی بی اثر می شود.^{۱۰}

⊖ در صورت ارتکاب جرایم حدی، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه ۷ در مدت تعلیق، پس از قطعیت حکم اخیر، دادگاه

قرار تعلیق را لغو و دستور اجرای حکم معلق را نیز صادر و مراتب را به دادگاه صادر کننده قرار تعلیق اعلام می کند.^{۱۱}

⊖ صدور چک از حساب مسدود قابل تعلیق نیست اما سایر جرایم مندرج در قانون چک قابل تعلیق می باشد.^{۱۲}

۱- ماده ۴۷ ق.م.ا

۲- موضوع مواد ۴۹۸ الی ۵۱۲ ق.م.ا

۳- موضوع ماده ۶۸۷ ق.م.ا

۴- موضوع ماده ۶۵۲ ق.م.ا

۵- موضوع ماده ۶۲۱ ق.م.ا

۶- علاوه بر قاچاق عمده مشروبات الکلی، به استناد تبصره ۳ ماده ۷۰۳ ق.م.ا از کتاب تعزیرات، دادگاه نمی تواند هیچ یک از جرایم مندرج در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ را تعلیق نماید. اما امکان تعویق در مورد مشروبات الکلی، فقط در فرض قاچاق آن وجود ندارد در مورد سایر مصادیق مندرج در مواد ۷۰۲ و ۷۰۳ باید به مجازات ها رجوع کرد و اگر مجازات آنها جزو جرایم تعزیری درجه ۶ تا ۸ باشد امکان تعویق وجود خواهد داشت.

۷- در مورد «مواد مخدر یا روانگردان، مشروبات الکلی و سلاح و مهمات» قاچاق باید عمده باشد اما در مورد «قاچاق انسان» لزومی به عمده بودن قاچاق آن نیست.

۸- منظور معاونت در محاربه و افساد فی الارض است.

۹- ماده ۹۴ ق.م.ا

۱۰- ماده ۵۲ ق.م.ا

۱۱- ماده ۵۴ ق.م.ا

۱۲- ماده ۱۰ قانون چک

دوستان عزیز ما به دلیل احتراز از تحجیم شدن جزوه از تکرار مطالب مربوط به «موارد سقوط مجازات ها» و «ادله اثبات جرایم» در مجموعه حاضر خودداری کرده و به خوانندگان محترم نیز توصیه می کنیم به جزوه آیین دادرسی کیفری با نگارش اینجانب مراجعه نمایند. از طرف دیگر مطالب مربوط به مباحث مذکور، بیشتر جنبه شکلی دارد و محل بحث آن، آیین دادرسی کیفری خواهد بود نه حقوق جزای عمومی. همچنین شاید واجد ایرادات عدیده تایی و نگارشی باشد که دلیل آن محدودیت زمانی برای بازنگری و پافشاری دوستان برای ارائه هر چه سریعتر آن بوده است. در نهایت امیدوارم که تلاش های بنده و تمام کسانی که در این راستا فعالیت دارند بتواند راهگشای مشکلات شما برای موفقیت در آزمون های حقوقی باشد.

با آرزوی موفقیت

فخرالدین عباسزاده